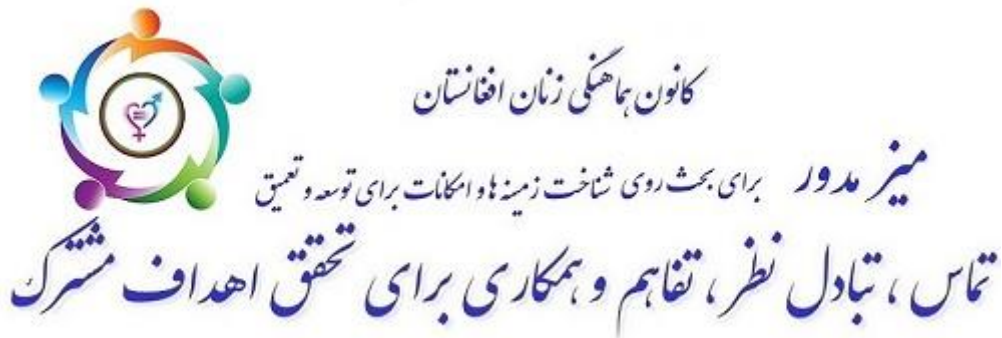


میز مدور کانون هماهنگی زنان افغانستان

سند معرفی و متن توحید شده مباحثات روی پرسش اول و دوم



- سند معلوماتی در مورد اهداف، شیوه‌کار و اشتراک کننده گان میز مدور
- متن توحید شده کار میز مدور روی پرسش اول
- متن توحید شده کار میز مدور روی پرسش دوم

سند معلوماتی در مورد اهداف، شیوه‌کار و اشتراک کننده گان

میز مدور بحث روی مسایل مبرم مطرح در برابر نهادها و فعالان و مدافعان حقوق زنان در مرحله کنونی، به روز ۲۹ ماه می سال ۲۰۱۵ به ابتکار کانون هماهنگی زنان به کار آغاز کرد.

این مباحثات در سه مرحله (میز اول، میز دوم و میز سوم) از پایان ماه می تا روز چهاردهم ماه سپتمبر سال ۲۰۱۵ ادامه یافت.

نخستین هدف تدویر میز مدور این بود تا امکانات و زمینه‌ها جهت گسترش تماس، گفت و شنود، تفاهم و همکاری میان نهادها، فعالان و مدافعان حقوق زنان افغانستان برای تحقق اهداف مشترک، شناسایی شوند.

*

میز مدور از طریق گروه بسته سری در فیسبوک دایر گردید. اینک متن توحید شده مباحثات میز مدور از طریق دریچه کانون هماهنگی زنان افغانستان در فیسبوک و نیز از طریق صفحه انترنتی «ناب» (نیروگاه اندیشه‌ی برابری و مبارزه با تبعیض جنسیتی) منتشر میگردد تا مسایل مطروحه در حلقه وسیعتر مورد بحث قرار گرفته بتوانند.

لینک متن منتشر شده در دريچه کانون هماهنگی زنان در فیسبوک از سوی سایر نهادها و فعالان در صورتی که خواسته باشند در صفحات خود شان به اشتراک گذاشته شده میتواند.

همچنان نشریه های انترنتی ، میتوانند لینک متن منتشر شده در «ناب» را به اشتراک بگذارند.

پس از نشر متون در دریچه کانون هماهنگی زنان در فیسبوک و نیز در صفحه انترنتی «ناب» گزارش جمعبندی شده مباحثات عمومی و علنی در مورد مسایل مطروحه ، جهت تصمیمگیری به اشتراک کننده گان میز بزرگ (متشکل از اشتراک کننده گان هر سه میز و در همچنان صورت دریافت تقاضا از سوی مسوولان نهادهای دیگر زنان و مدافعان حقوق زنان در ترکیب گسترده تر با اشتراک این متقاضیان) ارایه خواهد شد.

کانون هماهنگی زنان امیدوار است تا این میز مدور بتواند در تامین شناخت و تماس متقابل و به راه انداختن مباحثات سازنده جهت تامین تفاهم روی تعریف اهداف مشترک و گسترش همبستگی و همکاری جهت تحقق این اهداف نقش موثری را ایفا نماید.

**

نکاتی بنیادی که قرار بود در میز مدور مطرح شوند:

- نقش نهادها و فعالان حقوق زنان در دفاع و تامین حقوق زنان؛
- ارزیابی وضعیت و فضای مناسبات میان نهادها و فعالان حقوق زنان ؛
- تعریف اهداف مشترک برای کوتاه مدت ، میان مدت و دراز مدت؛
- جستجوی امکانات و زمینه ها برای گسترش تماس ، گفت و شنود ، تفاهم و همکاری میان نهادها، فعالان و مدافعان حقوق زنان افغانستان جهت تحقق اهداف مشترک.

معرفی اشتراک کننده گان میز

گرداننده : حمید عبیدی

اشتراک کننده گان:

- بانو شینکی کروخیل عضو ولسی جرگه (کابل)
- بانو دکتور عالمه رئیس کمیته مشارکت سیاسی زنان (از شهر کابل)
- بانو ماری اکریمی رییس مرکز انکشاف مهارت های زنان افغانستان (از کابل)
- بانو حمیرا ثاقب رئیس خبرگزاری زنان افغانستان (مقیم کابل)
- خانم زهرا سپهر نماینده شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر (کابل)
- بانو زهره یوسف داوود ، ژورنالیست و فعال شناخته شده حقوق زنان (از کابل)

- خانم شهرزاد اکبر ، مدیر جامعه باز افغانستان در بنیاد جامعه باز - Country Director, Open - Afghanistan bei Open Society Foundations Society (از کابل)
- بانو منیره یوسفزاده مسوول نهاد اجتماعی- فرهنگی پُل (از کابل)
- بانو خانم فوزیه ارال حبیبی مسوول بنیاد راه ابریشم (ایپک ایولی) و متصدی برنامه تلویزیونی راه ابریشم (مقیم کابل)
- بانو زهره سادات هاشمی فعال حقوق زنان (استاد در انستیتوت غضنفر در کابل)
- خانم فروزان درویش – فعال جامعه مدنی (کابل)
- بانو آزیتا نظمی گرداننده تلویزیون طلوع (کابل)
- بانو مریم خاموش فوتو ژورنالیست و مسوول اجرایی رادیوی جوش (کابل)
- میرمن حمیرا حقل د افغان خويندو یون مشره (از ولایت وردک)
- بانو مریم درانی مسوول «رادیو میرمن» ، مسوول انجمن فرهنگی بی بی خدیجه کبرا ، بنیادگذار شبکه دادخواهی زنان ولایت کندهار (از کندهار)
- بانو ماریا رهین استاد در پوهنتون بلخ (از نماینده گان منتخب زنان افغانستان در کنفرانس لندن)
- بانو خالده خرسند – نویسنده و از فعالان سرشناس حقوق زنان (از هرات)
- خانم مریم امواج مسوول دفتر زنان برای زنان در بدخشان (از بدخشان)
- خانم فوزیه نوایی مسوول دفتر ساحوی شمال کمیسیون حقوق بشر (از مزار شریف)
- بانو ناجیه حنیفی فعال جامعه مدنی و از بنیادگذاران کمیته مشارکت سیاسی زنان افغانستان (از کانادا)
- بانو بهار سعید- شاعره و فرهنگی شناخته شده (از ایالات متحده امریکا)
- خانم لیلما عظیمی همکار رادیوی صدای امریکا و تلویزیون اشنا (امریکا)
- بانو ناهید علومی – مدیر مسوول مجله بانو (از هالیند)
- میرمن عارفه عمرلور بشیر پیژندل شوی ناول لیکونکی د ۲۰۰۲ کال په بیړنی لویه جرگه کی د لغمان د خلکو استازی (از بلجیم)
- بانو داکتر راضیه هوتکی رئیس شورای زنان افغان درفدارسیون روسیه (از ماسکو)
- بانو قمر یلدا – سابق استاد انستیتوت تربیه معلم (از آلمان)

- بانو زرغونه ژواک عطا – ژورنالیست و فرهنگی شناخته شده و مسوول گروه تابش نو ، نوی وړانگه (از آلمان)
- خانم هاجره حرکت همکار دویچه ویله (از آلمان)
- بانو سهیلا حسرت نظمی – ژورنالیست و فرهنگی شناخته شده (رییس همایش اروپایی زنان افغانستان و عضو هیات مدیره کانون هماهنگی زنان افغانستان)
- پوهندوی شیما غفوری (مسوول انجمن مدرسانی افغان و عضو هیات مدیره کانون هماهنگی زنان افغانستان)
- پوهنمل دکتورس زرغونه عبیدی (رئیس کانون آسمایی و عضو هیات مدیره کانون هماهنگی زنان افغانستان)

*

متن توحید شده کار میز مدور روی پرسش اول

حمید عبیدی (گرداننده)

- در روشنایی درس های یک سده کار و کوشش برای طرح و تامین حقوق زنان افغانستان، به نظر شما اهداف و وظایف مبرم و حیاتی در زمینه طرح و تامین حقوق زنان افغانستان در مرحله حساس و سرنوشت ساز کنونی کدام ها اند ؟
- در روشنایی همین درس ها ، اهداف و وظایف بنیادی میان مدت و دورنمایی جهت رسیدن به یک آینده مطلوب ممکن کدام ها اند؟

سهیلا حسرت نظمی

به نظر من برای پاسخ به بخش اول پرسش شما به تاریخ مبارزات زنان افغانستان و دستاورد هاي آن و همچنان وضع حقوقي و سهم آنها در يك سده باید نظر اندازیم. درین مدت مبارزه ي زنان را از همان آغاز ایجاد سازمان زنان به صورت مشخص میتوان حساب کرد. هر چند کار برای کسب تحصیل دختران و سهم آنها در امور اجتماعی از زمان شاه امان الله و ملکه

ثريا چشمگیر است. بر شمردن نایل شدن به اهدافی چندی که در سرخط مبارزات زنان قرار داشت، تا اندازه یی به بخش اول پرسش شما نزدیک میشویم. بخش دوم پرسش تان زمانی پاسخ مطلوب میگیرد که بخش اول را به کنکاش گرفته باشیم. حالا با این مقدمه، در صحبت و اظهار نظر را باز کردم. نظر خودم را بعداً خواهم نوشت.

حمید عبیدی

پرسش این بود که اهداف و وظایف مبرم و حیاتی مرحله حساس و سرنوشتساز کنونی در روشنایی درس های یک سده گذشته کدام ها اند. و نه این که ما به بیان تاریخ یک سده یا بخش هایی از این تاریخ و رویدادها و پدیده های جداگانه آن که در مواردی میتواند اختلاف برانگیز باشد، پردازیم، در غیر آن بحث بسیار طولانی خواهد شد

ماریا رهین

با درس های عملی سیزده سال گذشته، و شناسایی اندک راه های برون رفت از چالش های فراگیر، برای من آنچه که ارزشمند است، اینست که زنان در افغانستان همیشه در غربت مانده شده، حالا با تعاریف (سیاه سر، ضعیفه، کوچ، مادر فلانی) خوانده نمی شوند، اینان دارای هویت خاص اند، هویت یافته شده و جدید بنام «زن افغان» و کوله بار این زن سبک نیست، بار گران جنگ، نتوانست مانع شود تا رهنوشه و دگری نداشته باشد، رهنوشه و از تلاش و مبارزه، از شجاعت و تفکر و تحقیق و ... خیلی ارزش های دیگر

من بعنوان زن، ارزش خودم را در میان لاقل دهها مرد به اثبات رسانیده ام که از آنان بهتر فکر می کنم و بیشتر می دانم، در میان جمع مردان دانشگاهی را می گویم، این برای من يك ارزش است، يك هویت است، و این هویت، قدرت ذاتی و جنسی مرا اثبات

مي کند

من طفلم را براي رسيدن به اين مرحله وقتي شش ماهه بوده است ده روز تنها مانده ام ،
من براي سفر هاي خارجي ام ، تا يكماه ، به شوهرم توضيح داده ام ، كه اين سفر چه
دست آوردی براي من دارد ، من براي جلب محبت مردم ، خواب و رامش ام را فدا ساخته
ام ، ولي هويت ساخته ام ، و اين هويت تنها از من نيست ، ما براي زن افغان هويت
ميسازيم

اينها به هيچ عنوان كار هاي آخري من نيست ، زيرا در دراز مدت ، بقايای شخصيتي ما
مطرح است ، اين بقايا را با رهبريت ميتوان نگهداشت ، با رهبر شدن و الگو قرار گرفتن
در دهه ۷۰ دوم كه حالا ما در سومين سال ان قرار داريم ، احساس قوي در اين انگيزه مهم
است كه چگونه براي مانده و موقعيت نگهداشتن ، طرح مي ريزيم (عملي) و در خور
ايجابات عصر ، در اين جا كلا بايد پذيرفت كه بايد بعد نبال رهبر ساختن بود ، و از
مبارزه ۷۰ منفرد انه اجتناب كرد ، زيرا در اين صورت راه باخت هم وار مي شود و ما
اغفال خواهيم شد ، مبارزه ۷۰ ما هم بي نتيجه خواهد ماند .
حالا به رهبران فكري و سياسي بايد انديشيد ، به رهبران قوي و مردم دوست . در كنارش
براي رفاه زنان ، به فكر ايجاد مراكز اقتصادي شد .

عملا در دو جبهه بايد مبارزه كرد:

- شعور سياسي را تقويت نمود

- وضعيت اقتصادي را توسعه داد

اين دو ممیزه دو بال پرواز هم اند .

به حسن اختتام :

با بال شكسته ، پرگشودن هنر است

اين را همه ۷۰ پرندگان مي دانند

ناهيد علومی

حقوق زن جزء لاینفک حقوق بشری و رکن عمده آنست، زیرا زنان پیکر اساسی جامعه بوده و بدون موجودیت شان، جامعه نه تنها ناقص بل تشکیل نمی یافت.

همانطوری که اعلامیه جهانی حقوق بشر به مثابه یک پیمان بین المللی حقوق یکسان انسانها را تسجیل و علاوه نموده که: "تمام ابنای بشر آزاد زاده شده و در حرمت و حقوق با هم برابرند" و همچنان در هیچ جای مرد وزن را تفکیک نمی، بل خطاب اعلامیه به همه انسانهاست، پس در ماهیت امر پرسشی باقی نمی ماند که میان مرد و زن تمایز قایل شویم. زنان به مثابه پیکر اساسی جامعه از بدو پیدایش و خلقت انسان تاکنون در تشکیل جامعه بشری رول مهم و تعیین کننده را ایفاء نموده است .

تاریخ شاهد آنست که زنان دوشادوش مردان زیسته و کار و تلاش نموده اند و در آینده نیز چنین خواهد بود. تأثیر و نقش زنان تنها در همسری با مردان خلاصه نمی شود، بلکه این زنان بودند که مردان را اهلی و زنده گی نمودن را به آنان آموختاند. زنان با کشفیات خود زنده گی را متحول کرده و نفس کشیدن را برای مردان آسان ساخته اند. زنان حقیقت زنده گی و لازمه حیات بوده و اینان اند که جهان را به سوی دیگرگونی های شگرف کشانیده و تحولات اساسی را به میان آورده اند .

اما با دریغ که در جامعه های مرد سالار و مذهبی بنابر برخورد های اید یالوژیک و سلیقه یی زنان در موقف پایانتر قرار داشته و حتی گاهی به انسان درجه دوم تنزیل یافته اند . پس برای آزادی و رهایی زنان چه باید کرد؟

مساله آزادی و رهایی زن از قید مناسبات کهن و مرد سالارانه گذشته وابسته به آنست که خود زنان تا چه حد برای زدودن این مناسبات آماده و تلاش دارند. یکی استقلالیت اقتصادی زنان و دوری آنها از اشتغال و بهره کشی تحت نام تدبیر منزل است و دیگری رهایی کل جامعه از مناسبات بهره کشی که کام اولی همانا راهیابی زنان به عرصه تولید و کار اقتصادی است که آزادی اجتماعی را هم درقبال دارد .

خطوط کلی از نگاه من چنین است:

- انسجام نسبی زنان در نهاد ها و جمعیت های مدافع حقوق شان.

- پیش کش نمودن مطالبات اساسی زنان که در رأس آن شناسایی حقوق یکسان آنها با مردان مطرح است.

- توجه به آگاهی دهی زنان و مردان (روشنگری)

- رهایی زن از مصروفیت تدبیر منزل و وارد شدن آنان به جامعه و کار اقتصادی و تولیدی.

- زدودن وکاهش اندیشه های مرد سالارانه که مانع پیشرفت و ارتقای زنان شده است.

- در مرحله بعدی طرح حقوقی مانند: حق و اختیار زن بر تنش، حق ملکیت اقتصادی زن،

حق تساوی زن و مرد به فرزندان شان، حق مزد مساوی با مردان مطرح خواهد بود.

- همچنان ، رد پدیدهء خشونت خانواده گی، رد تجاوز و خشونت جنسی و انواع خشونت مطرح میشود.

اما ، درس های تلخ تاریخی نشان می دهد که تا آن گاهی که مساله یی به نام حق زن، در اعماق جامعه و به وسیله خود زنان راه باز ننماید و نهادینه نگردد، ما شاهد این فراز و نشیب ها خواهیم بود.

این کار جز به وسیله گسترش آگاهی - به وسیله خود زن - در خط روشنگری صورت گرفته نمی تواند.

این بر زنان آگاه است تا چراغ خرافه زدایی را با دست های بلند خویش در ده به ده، قریه به قریه، شهر به شهر و حتی خانه به خانه ببرند تا این اهریمن را به دست نابودی بسپارند. بدون شک این همه بدون همبسته گی و هماهنگی زنان میسر نیست، هرگاه چنین همبسته گی یی وجود نداشته باشد اهریمن مرد سالاری مانند گذشته فرمانروایی بی رقیب خواهد بود. و در این راستا تنها زنان بازنده خواهند بودند.

قمر یلدا کرزی

در طول تاریخ بشریت جنگ هاومهاجرت های پرمشقت و وحشتناک رخ داده وزنان بیشتر قربانی حوادث نابهنجار شده اذیت و تهدید شده اند.

برای نورمال شدن اوضاع و حالت روند زندگی تدابیر و روش هایی به عمل آمده تا زندگی سیر صعودی خود را بیپیماید.

در مملکت ما در عصر شاه امان الله توجه جدی به تغییر زندگی زنان صورت گرفت و آن گسترش سواد ، تعلیم و تربیت ، ایجاد مکاتب ، مؤسسات کاری به خاطر آگاهی و خودکفایی زنان به راه افتاد ، نهضت زن باعث بیرون شدن ایشان از زیر برقع و چادری شد به درس و تعلیم پرداختن و برای آموزش و تحصیل بیشتر عازم کشورهای خارج شدند تا اندوخته ها و نوآوری های مثبت را بخاک خود ارمغان آورند.

روند آزادی زنان در مراحل مختلف با حوادث و پیشامد های عصر و زمان اش توأم بوده و تاب خورده اند از این لحاظ زنان قربانی خشونت ، ظلم و استبداد، لت و کوب ، قتل های فجیع و غیره می شوند و وظیفه مسئولین دولت و حکومت است با براه انداختن فعالیت های عادلانه و دیموکراتانه از دهشت و وحشت ، و ظلم و استبداد جلوگیری نمایند . موقف زن در جامعه بحیث عضو فعال که نصف پیکر جامعه را تشکیل میدهد روشن شود.

نکات اساسی برای بدست آوردن این هدف نیک تعلیم و تربیت آموزش گروپی ، تنویر جوانان و مردان از طریق رادیو تلویزیون رسانه های صوتی و تصویری و غیره.

فعالیت های مدافعین حقوق بشر ، قانون مدنی تدریس مضمون (حقوق زن در جامعه) در مکاتب تأیید از گرامی داشت روز زن و روز مادر و احترام به قانون و اجرای آن می باشد. هرگاه مصونیت و امنیت برقرار شود پیاده نمودن این اهداف به سهولت انجام خواهد پذیرفت.

شیما غفوری

سلام ناهید جان عزیز، نکات خوبی را تذکر داده اید، که بسیاری از آنها مورد تأیید من هم میباشد. طبعاً ما زنان باید راه های عملی نمودن آنها نیز پیدا نمائیم. تا قدم های عملی را برای پیشرفت های بعدی باز نمایم. پیشنهادات شما در مورد تطبیق این نکته که رهایی زن از مصروفیت تدبیر منزل و وارد شدن آنان به جامعه و کار اقتصادی و تولیدی، در مرحله اول با کدام اقدامات و زمینه سازی ها باید به پیش برود.

ناهید علومی

در پاسخ به پوهندوی شیمای جان غفوری گرامی نگاشته میشود:

نخست از همسویی تان در نکات کلی مطروحه ام ممنونم.

طوری که شما بهتر میدانید: یکی از عوامل موقف ثانوی زن در جامعه، موقف ثانوی وی در عرصه اقتصادی و کار است، اما از زنان منحصث اردوی احتیاطی در عرصه تولید کار گرفته میشود و برای سهم بارز زنان در این عرصه کمتر زمینه مساعد شده و در نتیجه زن در حاشیه کشاینده شده است.

اشتغال به امور منزل رمز موقعیت ثانوی زن در تولید اجتماعی است. یعنی سهم پایین تر زنان در تولید باعث برتری موقف مردان در جامعه است. اگر این تحلیل را بپذیریم، باید بگوییم که رهایی زن از چنبره استثمار اجتماعی در آزاد ساختن وی از امور منزل است. راه عملی این کار از آنجا آغاز می یابد که برای زنان زمینه کار تولیدی و یا حداقل تشبث خصوصی فراهم گردد.

آنچه زنانی که در داخل کشور توانسته اند منحصث نان آور خانه تبارز کنند، موقعیت اجتماعی شان نیز گاهی برتر و حداقل مساوی با مردان است.

نهاد های مدافع حقوق زنان میتوانند که با ابتکار های شان زمینه جلب و جذب زنان را در بازار کار، تولید و در عرصه تشبث خصوصی فراهم سازند، این کار را میتوان از صنایع دستی آغاز و به عرصه ها پیچیده تر تولیدی، تجاری و اقتصادی انکشاف داد. زیرا تا زمانی که زن از قفس منزل رهایی نیابد نمی تواند به آزادی اجتماعی برسد.

طوری که خانم رهین گفتند " که من طفلم را برای رسیدن به این مرحله وقتی شش ماهه بوده است ده روز تنها مانده ام، من برای سفر های خارجی ام، تا یکماه، به شوهرم توضیح داده ام، که این سفر چه دست اوردی برای من دارد، من برای جلب محبت مردم، خواب و آرامش ام را فدا ساخته ام، ولی هویت ساخته ام، و این هویت تنها از من نیست، ما برای زن افغان هویت میسازیم"

من با این گفته و نظر شان بکلی موافق هستم: به خاطری که من نیز تا چهار سال قبل یک چهره کمتر شناخته شده، در اجتماع هالند و خارج از آن بودم. تا زمانی که من خودم درک نمودم که باید برای ثابت ساختن قوت و قدرت زن افغان به همه، بایست داخل اجتماع شد اولین گام من اشتراک در انتخابات هیئت رهبری اتحادیه انجمنهای افغانها در هالند بود، که یک نهاد سراسری و صنفی افغانها در هالند است، که بعد از انتخابات منحیث سکرتر مسوؤل آن انتخاب گردیدم، گام بعدی ام انتخاب منحیث مدیر مسوؤل فصلنامه بانو بود. با مسوولیت برایتان گفته میتوانم، که این هر دوپست اجتماعی را در اثر کار و زحمت خود بدست آورده ام، نه خیرات کسی. بدین لحاظ هر یک ما و شما برای هویت سازی زن افغان باید تلاش و مبارزه نمایم.

البته گفته های داکتر صاحب عالمه جان که شرایط داخل کشور را توضیح نموده اند، مورد تایید من است. که نمیشود به خاطر یک دو پروژه، ما خود را بازی داده و از کار اساسی خود را دور سازیم. البته شرایط افغانستان و خارج از آن تفاوت دارد. ولی هر یک از ما و شما با آوردن مثال ها میتوانیم که حد اقل به یک نتیجه برسیم. که چه باید کرد؟ و از کجا باید آغاز نمود.

دکتر عالمه

تجربه یک سده کار و کوشش برای طرح و تامین حقوق زنان در افغانستان نشان داد که در کشور ما معمولاً تغییرات در زندگی زنان متأسفانه اکثراً از بالا بوده و تغیر از لایه های پایین اجتماع شکل نگرفته است. اگر چه تغیر در رویکرد های اجتماعی را از مجرای قانونی نباید نفی کرد اما اگر این اندیشه ها، خواسته ها و تغییرات از عمق لایه های پایینی جامعه و بنا برخواست آنان صورت نگیرد، طوریکه مبارزات زنان گواه است، دستخوش دگرگونی ها و برگشت میگردد.

در دوره های مختلف از تاریخ افغانستان ریفورم یا اصلاحات معمولاً توسط دربار طرح و اجرا می گردید و منحصر به شهر های بزرگ می ماند. اما در دهه شصت میلادی به ابتکار اولین گروه سیاسی زنان در راس خانم داکتر اناهیتا راتب زاد در سال 1965 سازمان

دموکراتیک زنان افغانستان ایجاد شد. این نهاد توانست خارج از دربار در عده ی از شهر های بزرگ کشور به فعالیت آغاز کند. این سازمان حرکت های اجتماعی - مدنی متعدد را براه انداخته و در بسیج زنان افغانستان بدور یک برنامه واحد تلاش و مبارزه نموده و برای زنان کشور آگاهی دهنده فعال بود. بعد از آغاز جنگ های داخلی و سقوط حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان این سازمان نیز دچار از هم گسیختگی تشکیلاتی گردید .

وضعیت یک و نیم دهه اخیر نشان می دهد که زنان افغانستان در میان مدت باید در چند جهت زیر فعالیت نمایند:

۱ در حوزه دولت باید روی تغیر قوانین از دید جنسیتی توجه صورت گیرد و در این راستا تلاش صورت گیرد تا کادر های متعهد به حقوق زن در نهاد های اجرایی، قانونگذار و پالیسی ساز از جمله وزارت امور زنان به کار گماشته شوند.

۲ نهاد های مدافع حقوق زن از طریق شبکه سازی و همبستگی فراگیر در لایه ها و عمق اجتماع کار روشنگری و آگاهی دهی را آغاز کنند تا زنان و مردان مفاهیم تساوی جنسیت اجتماعی را بهتر درک کنند و در دفاع آن آماده شوند.

۳ کار نهاد ها و انجوا های زنانه به مسیر اصلی و اساسی سوق داده شود. به کار های زیربنایی توجه صورت گیرد. زنان کشور باید ضرورت ایجاد یک جنبش سراسری زنان را در برهه حساس کشور درک نمایند و زمان را صرف برای تطبیق چند پروژه نمادین از دست ندهند. وضعیت خود و کشور خود را درک نمایند. در این راستا باید سازمان ها و نهاد های خارج کشور نیز در کنار نهاد های داخل کشور با برنامه مشترک عمل نمایند.

برای تغیر رویکردهای اجتماعی از دید قانونی و اجرایی روی نکات زیر توجه شود و در سرخط مبارزه زنان افغانستان در برهه کنونی قرار گیرد و در حقیقت سر خط کار ما در میان مدت باشد:

برای تصویب قانون منع خشونت علیه زنان مبارزه صورت گیرد، این قانون باید به عنوان یک قانون مستقل به قوت خود باقی بماند و در قوانین عمومی ادغام نشود.

در مبارزه با خشونت و تبعیض اراده قوی سیاسی و تعهد بلند مدت ضروری است. توجه حکومت در زمینه جلب شود و در قدم نخست مبارزه صورت گیرد تا به فرهنگ معافیت از مجازات پایان داده شود.

به داد گاه های سیار عنعنوی و نظام عدلی غیر رسمی پایان داده شود.

با فساد اداری در قوه قضاییه و پیامد های آن مبارزه گردد و میکانیزم های موثر نظارت ایجاد گردد.

برنامه ی گسترده برای مبارزه با بی سواد ی، بویژه در میان زنان و دختران به اجرا گذاشته شود.

برنامه اجباری ساختن آموزش در مقاطع ابتدایی و متوسطه به اجرا گذاشته شود.

زمینه های آموزش حرفوی و شمولیت زنان به مراکز حرفوی مهیا شود.

ضمانت دولت در راستای مشارکت سیاسی قابل دید زنان در راهیابی به مراجع و مراحل تصمیم گیری در مسایل و موارد مهم ملی کشور، کابینه، شورای ملی، دستگاه قضا بدون قید و شرط گرفته شود.

در راستای حفظ تمام دستاورد های زنان درواپسین سال ها در (مذاکرات با گروه های مسلح) بدون ملاحظه مبارزه شود و در برابر هرگونه تغییر مواد قانون اساسی که حق شهروندی را کاهش دهد و یا سلب کند، ایستادگی صورت گیرد.

برای حضور موثر و نه سمبولیک زنان در تمامی مراحل گفتگو های صلح، بر اساس قطعنامه 1325 شورا امنیت سازمان ملل در باره زنان، صلح و امنیت مبارزه صورت گیرد.

برای تغییر قانون انتخابات در رابطه به سهم زنان در شورای ولایتی و شوراهای ولسوالی بر اساس سیستم کوتاه مبارزه و کار همه جانبه صورت گیرد.

در سر خط همه ی این فعالیت ها همبستگی تمام زنان و نهاد های مرتبط به زنان افغانستان در خارج و داخل ضروری و شرط است. این گام های نخستین مسیر را برای دستیابی به فرصت برابر مهیا می سازد. حق برابر به معنی فرصت برابر نیست.

ناهید علومی

تا پرسش و پاسخ دیگر:

هنگامی که حق و حقوق میگویم، باید ببینیم که حق چیست؟

حق و حقوق به موعظه و نصیحت تحقق نمی یابد برای تحقق آن:

اول: باید حق تثبیت شود، برای تثبیت حق ضرور است که:

- 1 - باید نهاد یا نهادهای مسوؤل و نظارت کننده وجود داشته باشد.
- 2 - باید مسوؤلین نهاد ها از قوانین ملی و بین المللی بخصوص اعلامیه ها، میثاقها و کنوانسیونها و در داخل کشور از قانون اساسی، قوانین متمم آن و مقررات ذیربط آگاهی داشته باشند.
- 3 - مسوؤلین نهادها جانبدار نی بل باید بی طرف باشند.
- 4 - مسوؤلین نهادها باید صرف تابع قانون باشند.
- 5 - مسوؤلین نهادها باید صادق و حقیقت جو باشند.
- 6 - مسوؤلین نهادها باید از آزادی و مصئونیت کامل برخوردار باشند.
- 7 - مسوؤلین باید به وسایل پیشرفته شناسنده حقایق مجهز باشند.

دوم : حق تثبیت شده باید :

- 1 - بلا درنگ از حمایت حقوقی برخوردار شود.
 - 2 - برای تحقق این امر مرجع نافذ قانون باید از توانایی کافی برخوردار باشد .
 - 3 - مرجع نافذ قانون باید صرف تابع قانون باشد .
- سوم : تحقق حق برای صاحب آن باید از طرف دولت تضمین گردد . این امر وقتی ممکن است که :

- 1 - حاکمیت بحیث نیروی برتر عمل کند .
 - 2 - قانون حاکمیت داشته باشد .
 - 3 - حاکمیت واحد باشد .
 - 4 - حاکمیت بر تمام قلمرو تسلط داشته باشد.
- چهارم : برای اینکه صاحب حق از حق خود بدون جنجال استفاده کرده بتواند باید :
- 1 - صاحب حق توان تصرف حق را داشته باشد .
 - 2 - صاحب حق آنچه را تصرف کرده توان استفاده از آنرا داشته باشد .
 - 3 - صاحب حق اختیار آنرا داشته باشد تا ملکیت و اراده خود را به شکل فیزیکی و عملی تصرف نمایند یا آنرا شکل دهد و یا هم بحیث ملکیت و حدود شخصی اعلام و حراست آن در اختیار خودش باشد.

خالد خرسند

سلام و سلامتی باد بر شما یاران و دوستان عزیز!

خوشحالم که می توانم در قالب یک ابتکار خوب ، دیدگاه ها و پیشنهاد های خود محور مسایل مربوط به زنان که در این جا مطرح می شود را با اعضای گروه در میان بگذارم.

در نخست پیشنهاد می کنم، برای دست آوردن نتیجه بهتر، پرسش های باید روشن، واضح و کوتاه باشد؛ چرا که پرسش های کلی مباحث عمومی را در پی خواهد داشت . مثلاً خوب است در یک پرسش روی نقش تحکیم قانون در بهبود شرایط زنانه زنان صحبت شود.

بحث دیگر روی عامل مذهب در عقب مانی های زنان در کشور مفصلن نوشته و بحث گردد و ...

در پاسخ به پرسش شما باید بنگارم که :

دوستان نظرات خوب و همه جانبه ای را در مورد اینکه چه درس های باید ما از گذشته بگیریم و در آینده چه کار باید بکنیم را نوشته اند. اما من فقط به یک نکته بسیار مهم توجه شما بانوان را می خواهم که آن هم نقش تندروی مذهبی در حیات خانواده گی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان است.

در یک کشوری مسلمان نشین چون افغانستان که مذهب ریشه در تار و پود مردم دارد و تمام هنجارها، سنت ها و ارزش ها، در بسیار مواقع، رنگ و رو دینی و مذهبی دارند، مذهب یک عنصر به شدت تعیین کننده در نتیجه مبارزه برای تغییر اجتماعی در حیات سیاسی و اجتماعی زنان است. اگر هدف ما آوردن تغییرات مثبت اجتماعی در زنده گی زنان است باید دنبال آن عناصر فرهنگی و اجتماعی باشیم که بیشترین تاثیر را بر روند مبارزه ما زنان دارد؛ فرق نمی کند هر زن با کدام ایدولوژی و مکتب فکری کار می کند: هدف مشترک است، شناسایی شاخصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، چه در گذشته و چه در آینده، که در وضعیت زنان نقش اساسی بازی می کند.

من با حرف های بانو عالمه به شدت موافقم که هر تغییری باید در لایه های زیرین جامعه و به گونه بنیادین اتفاق بیفتند. تغییرات در سطح و هر گونه دستاوردی که محدود به چند کلان شهر افغانستان چون کابل، هرات، بلخ و ... باشد؛ نمی تواند یک نسخه شفا بخش برای تمام زنان در سرتاسر کشور باشد. به همین دلیل تصور من این است که در کنار مولفه های یاد شده توسط دوستان، عنصر رادیکالیزم مذهبی که طالبان از آن به خوبی نماینده گی می کنند، و اینکه چگونه باید با آن مبارزه کرد به عنوان یک طرح بنیادین و داراز مدت مطرح نمود.

بدون شک، افغانستان شاید آخرین کشوری در منطقه باشد که بحث برابری جنسیتی بسیار دیر در آن مطرح شد. سنت های مبتنی بر آموزه های مرد سالارانه، رادیکالیزم مذهبی بر اساس اسلام ایدولوژیک طالبانی با چاشنی سلفی و اخوانی با آمیختن و ریشه دوانیدن در بافت

فرهنگی و در نهایت هم آمیخته گی مردسالاری و تندروی مذهبی با قدرت و سیاست، به نیروی قدرتمند ضد روشنگری و برابری جنسیتی تبدیل گشته است. سنت، فرهنگ و مناسبات مردم افغانستان با دین و مذهب پیوند نزدیک و ناگسستنی دارد. هر نوع تندروی و رادیکالیزم مذهبی شالوده ای مناسبات و روابط اجتماعی مردم را دچار تغییر می نماید. دین نهادی است که ارزش و هنجارهای افغانستانی ها را تعیین می کند. البته عناصری چون قوم گرایی نیز در محدود سازی روند دموکراتیزه کردن حکومت و مدرن سازی جامعه و در نهایت آزادی و برابری برای زنان، نقش اصلی را بازی می کند.

یکی از میراث های وحشتناک مذهب یون سیاسی و طالبان در افغانستان هسته گذاری و نسج گیری تشکل ها و گروهک های تندرو دینی غیر مسلح است. اندیشه های مدرن که میرفت تا در بافت فرهنگی مردم نهادینه شود را مسموم کرد و تخم خشونت، عدم تساهل، زن ستیزی و فرهنگ کشی را در مناسبات اجتماعی و فرهنگی، بارور ساخت. این روزها، پدیده شوم تندروی مذهبی و قحیانه و آشکارا از زنان افغانستان قربانی می گیرد.

واضح است که بنیادهای فکری تندروی مذهبی در افغانستان، در تاریخ معاصر کشور پی ریخته شده است و بازاندیشی و باز تولید اندیشه های سنتی – مذهبی به عنوان یک گفتمان مسلط، درازنای به اندازه تاریخ کشور توسعه نیافته و بحران زده ای چون افغانستان دارد. عقب گرایی در نهادینه سازی حقوق زنان و تداوم حضور ایشان در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی، به گونه روشن از زمان پیروزی مجاهدین در افغانستان آغاز می شود. گروه های مسلح و جنگجوی که با داعیه جنگ با کفار، دولت کمونستی افغانستان را سقوط داده و به محض پیروزی، قوانین و قواعد دست و پاگیر زیادی را برای زنان در سرتاسر کشور وضع نمودند. که به عنوان نمونه حجاب اجباری و اسلامی ساختن حکومت افغانستان را می شود نام گرفت. در جریان خانه جنگی های مجاهدین، کشور با یک آشوب بی پیشینه روبرو گردید. تعدادی زیادی از مردم آواره و مهاجر شدند و تعداد بیشماری کشته و معلول گردیدند. نابسامانی های سیاسی و جنگ داخلی کشور را در ورطه سقوط قرار داد و تمام مناسبات اجتماعی و دست آورده های حکومت های کمونیستی را که حداقل در کلان شهر

های افغانستان، اصلاحات و بهبودی را در وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان فراهم آورده بودند را به باد فنا سپرد.

تلاش های بسیاری در یک و نیم دهه گذشته برای زدودن آثار فرهنگ طالبانیزم و پایه ریزی بنیاد های مستحکم برای حضور سیاسی و اجتماعی زنان صورت گرفته که دستاوردهای نیز داشته است. اما روند متذکره با کم و کاستی های همراه بوده که تا هنوز نتوانسته به گونه بنیادی تغییرات لازم را در جامعه افغانی برای تحقق برابری جنسیتی پدید آورد. در واقع پروژه زده گی و عملکرد در سطح، از خلا های جدی در روند بازسازی و انکشاف حقوق و مسولیت های زنان افغان بوده است.

تکرار سناریو حاکمیت امارت اسلامی در افغانستان که این بار با چاشنی داعش همراه خواهد بود، اگر چه محتمل به نظر نمی رسد، اما به عنوان یک فرضیه می تواند یک تهدید جدی برای توسعه انسانی و اجتماعی افغانستان باشد.

طالبان با قانون اساسی افغانستان که ضامن برابری حقوق زنان و مردان، تحکیم نهاد های دموکراتیک چون انتخابات، پارلمان و دولت مردمی، حاکمیت قانون و تسریع روند مدرن سازی کشور است، مخالف هستند. بی گفته پیدا است که حضور این گروه، چه در آینده نزدیک و چه دور، سونامی وحشتناک در حیات سیاسی و اجتماعی زنان افغان خواهد بود.

سخن پایانی و جمع بندی

اقتدار دولت افغانستان، بالا رفتن نرخ سواد و انکشاف اقتصادی کشور سه شاخصه عمده در روند توسعه افغانستان و در نتیجه بهبود وضعیت زنان است. برای تقویت این روند کنترل و مدیریت تندروی مذهبی که چون غده سرطانی در مناسبات انسانی افغان ها ریشه دوانیده است، باید از الوهیت های دولت و مردم افغانستان به ویژه زنان افغان باشد.

حمیرا ثاقب

البته تحلیل بسیار بجا از خالده جان خرسند را خواندم نکات قابل تامل در آن وجود داشت که واقعیت ها را در خود دارد

تمام بحث ها را به نظر من باید در قالب فعالیت ها در آورد. در ابتدا باید روی فرهنگ سازی برای زنان کار کرد. از کودکان شروع تا رسانه ها. با محتوای مختلف، کار روی قوانین، نصاب تعلیمی در مکاتب بر اساس برابری جنسیتی، حضور بیشتر زنان در پست های کلیدی تصمیم گیری از سوی دولت را میتوان از برنامه های مهم دولت دانست

بهار سعید

هرگامی که برای بهبود زندگانی بانوان میهن گذاشته شود کاریست ارزشمند ولی در کشوری که سرنوشت زن در دست دین است سرانجام این گام کدام بنیست خواهد بود؟ با سپاس.

سهیلا حسرت نظمی

در مرحله‌ای که وفاق اجتماعی در مورد مشروعیت دولت در کشور وجود داشته و این مشروعیت ثبات و امنیت دوامدار را تأمین کرده و حکومت ها برنامه های رشد تدریجی و ارتقای را طرح و عملی کرده اند، زمینه ها و امکانات تا حدودی برای تأمین حقوق زنان نیز فراهم شده است. در پناه چتر همین مشروعیت و امنیت بود که حکومت افغانستان توانست ۱۹۵۹ در مورد رفع برخی موانع بر سر راه مشارکت اجتماعی زنان اقدام بکند. تحقق برنامه های رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توانست برای این مشارکت زمینه ها و امکانات عملی را فراهم سازد - طوری که مکاتب دخترانه در بسیاری نقاط کشور با رضا و رغبت مردم گسترش یافت، زنان توانستند به صورت گسترده به تحصیلات عالی در داخل و خارج کشور بپردازند و به حیث وکیل پارلمان و وزیر برگزیده شوند. تاریخ شاهد است که در دهه ی شصت مشارکت اجتماعی زنان به صورت ارتقای در حال گسترش بود و موانع و دشواری ها پیوسته در حال کاهش و رفع شدن بودند. این روند تا اواسط دهه ی هفتاد ادامه یافت.

بناءً میتوان گفت که استقرار حاکمیت دولتی و رشد و انکشاف با ثبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمینه های مساعد را برای مطرح ساختن و تحقق حقوق زنان فراهم میسازد

*

و اما در مورد امروز این نکات به نظر من حایز اهمیت اند:

اگر به آمار و ارقام توجه کنیم ، شمار بانوان درس خوانده و تحصیل کرده و شمار بانوانی که امروز در مکاتب و موسسات تحصیلات عالی و مسلکی مصروف آموزش و تحصیل اند ، به مراتب نسبت به هر گذشته یی بیشتر است. بر طبق آمار ارائه شده از سوی وزارت معارف از یازده میلیون و 500 هزار شاگرد مکاتب 42 درصد یعنی بیش از ۴،۵ میلیون تن آن را دختران تشکیل میدهند. در کشور اکنون ۱۳۵ نهاد تحصیلی دولتی و خصوصی وجود دارد. بر طبق آمار ارائه شده از سوی وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۳ جمعاً ۵۳۲۸۱ تن از بانوان در نهاد های تحصیلی دولتی و خصوصی مصروف تحصیل بودند. در همین سال ۴۹۳۹ تن از بانوان از این نهادها فارغ التحصیل شدند. در همین سال ۱۲۰۰ استاد زن در نهادهای مذکور مصروف تدریس بودند. البته در تناسب به درصد شاگردان مکاتب (۴۲ درصد) هنوز بانوانی که به تحصیلات عالی میپردازند (۲۵ درصد) به حد قابل ملاحظه یی کمتر است.

در انتخابات سال ۱۹۹۳ نزدیک به چهل درصد رای دهنده گان زنان و دختران بودند. در حال حاضر چهار وزیر زن در کابینه حضور دارد. تعیین یک زن به حیث عضو شورای عالی ستره محکمه و نیز تعیین شمار بیشتری از زنان در پست های ولایت، سفارت ، معینیت ها و مقامات رهبری کننده ی دیگر وعده داده شده است.

امروز چندین صد نهاد زنان در داخل کشور رسماً ثبت اند . شمار کثیری از نهادهای زنان افغانستان در خارج از کشور نیز وجود دارند . و اما در عین زمان طوری که میدانیم پدیده ها و گرایش های بسیار نگرانی آور نیز سر بلند کرده اند. آمار و شدت خشونت علیه زنان به طور بی سابقه یی افزایش یافته است.

یک نکته حایز اهمیت دیگر این است که امارت طالبانی در نتیجه ی عملیات نظامی «نیروهای ائتلاف ضد تروریسم» به رهبری امریکا فرو ریخت و زمینه برای تشکیل نظام کنونی را هم جامعه بین المللی فراهم ساخت. کمک و توجه و در بسا موارد فشار بین المللی یک عامل مهم در تحولات سیزده سال اخیر به نفع زنان افغانستان بود. زنان نیز به صورت گسترده خود آرزومند چنین تحولی بودند و در حد امکان از سعی و کوشش در این راه دریغ نه کردند. اکنون جامعه بین المللی نه آن حضور قبلی را دارد و نه هم آن امکانات و توجه قبلی را.

با توجه به مراتب بالا از نظر من در مرحله کنونی استحکام و تعمیق دستاوردهای موجود در زمینه ی تامین حقوق زنان، تشخیص مسایل، کاستیها و دشواری هایی که حل و برکنار کردن شان همین اکنون ممکن و میسر است و پرداختن و تشریک مساعی برای حل و فصل همین مسایل و برچیدن همین کاستی ها و دشواری ها و شناخت تهدید ها و چالش ها و تشریک مساعی برای دفع و رفع آن ها در میان مدت و دراز مدت وظایف مبرم و حیاتی به شمار میروند.

عمده ترین تهدید در برابر دستاوردها همانا دشمنان نظام اند و اما در عین زمان نه باید فراموش کرد که در داخل نظام نیز عناصر و گروه هایی هستند که میخواهند با اگر و مگر های متعدد حقوق زنان را در چهارچوبی تعریف کنند که عملاً به معنای تعریف زن به حیث انسان دست دوم و تحمیل اپارتاید جنسیتی است.

پس همزمان با انتقادات سازنده از دولت و مجموع نظام و فشارهای سازنده بر آن، باید از نظام و دولت در برابر دشمنان نظام که در تلاش برگشت افغانستان به گذشته های تاریک اند، دفاع کرد. همچنان باید کوشید تا نفوذ گروه های زن ستیز را در درون نظام کاهش داد. آیا زنان افغانستان میتوانند در سرنوشت جامعه و کشور و دفاع از دستاوردهای خود و استحکام و تعمیق و گسترش آن نقش مؤثر داشته باشند؟

به نظر من پاسخ به این پرسش مثبت بوده میتواند، مشروط به این که زنان بتوانند نیروها و توانایی های بالفعل خود از پراکنده گی برون ساخته و نیروها و توانایی های بالقوه را نیز

به فعل بیاورند- این حیاتی ترین و مبرم ترین وظیفه مرحله کنونی است . در این زمینه با توجه به تجارب گذشته این نکات حایز اهمیت اند:

- پذیرش تنوع اندیشه یی و مبدل کردن آن به یک منبع غنا و امتناع از کوشش برای همسان سازی اندیشه ها و دیدگاه ها؛

- پذیرش تنوع اندیشه یی خواهی خواهی به معنای پذیرش کثرت و امتناع از انحصارگرایی نیز باید باشد. البته اگر نهادهای همفکر و همسو بتوانند در یک روند دیموکراتیک به هم ببیوندند ، طبعاً این میتواند یک گام مهم برای غلبه بر پراگنده گی باشد و در این صورت تعامل میان چند مجموعه بزرگ آسانتر از تعامل میان صدها مجموعه کوچک و پراگنده خواهد بود.

پس باید توانایی و هنر آن را کسب کرد تا بتوان درعین تنوع و کثرت برای تحقق اهداف و وظایف مشترک همکاری نمود و کارها و فعالیت ها را هماهنگ ساخت. دست یافتن به این مأمول نیازمند ایجاد یک چتر بزرگ است – چتری که در حد امکان قابلیت هماهنگ سازی همه رنگ های تنوع و کثرت فعالیت های زنان را در یک فضای باز، دیموکراتیک و سازنده در خود انکشاف داده و در میان مدت ظرفیت لازمی را برای این کار پیدا نماید.

میز دوم

گرداننده : حمید عبیدی

پرسش: - در روشنایی درس های یک سده کار و کوشش برای طرح و تامین حقوق زنان افغانستان، به نظر شما اهداف و وظایف مبرم و حیاتی در زمینه طرح و تامین حقوق زنان افغانستان در مرحله حساس و سرنوشت ساز کنونی کدام ها اند ؟

ماری اکرمی

در قدم نخست تعهد سياسي دولت بخاطر بهبود زنده كي زن افغان يك امر حتمي است، تمام مسائل مربوط به زنان بايد از بازي هاي سياسي مردان مجزا شود كسي حق ندارد بخاطر منافع شخصي خود از نام زن به نفع شخصي خود بازي سياسي كند، بايد همه اشخاص ذي دخل در مسايل سياسي افغانستان بدانند كه زن افغان داراي شعور منطق و استعداد خاص خود هستند، در ضمن زنان نيم قشر جامعه را تشكيل مي دهند بايد در تمام مسايل مربوط به افغانستان مانند مسايل امنيتي، اقتصادي، فرهنگي و يا سياسي اشتراك فعال داشته باشند و سهمگيري زنان در تمام عرصه ها يك امر حتمي مي باشد .

۲: همراي زنان جداً كار شود تا زنان به قوت و استعداد خود باورمند شوند، اين كار باعث اعتماد سازي به زنان ميشود چرايكه زنان مانند مردان يك انسان كامل است، ولي متاسفانه هيچگاه در تمام ادوار تاريخ بشري براي شان چانس داده نشد و يا اينكه بسيار اندك توجه براي شان شده كم بوده ، هميشه منحيث جنس دوم شناخته شدن فكر مي كنند كه زنان قادر به كار فعاليت و يا ابتكار نيستند، در حاليكه اگر زمينه درس، كار و يا صدها سهولت هايكه براي مرد ها ميسر است اگر براي زنان نصف ان مهيا مي بود باز انوقت ميديدن كه زنان قادر به هر كار است و شايسته گي همه كار ها را دارند، اگر توجه خاص از اگازين روز هاي زنده كي زن برايش شود استعداد هاي شان سيقل چانس براي شان داده شود باز بياييد همراي زنان هم سري كنند،

۳: در شرايط فعلي اگر امنيت خوب شود بخاطر خود كفائي زنان بايد زمينه تحصيلات را به تمام زنان به هر سن و سال كه هستند در سرتاسر افغانستان مهيا كرد و هميشه حمايت شوند،

۴: خود كفائي اقتصادي زن نيز يك امر مهم و حياتي در امور زنده كي است بايد بخاطر بلند بردن سطح اقتصاد زن كار همه جانبه صورت گيرد و زمينه رشد و ظرفيت كاري زنان جداً كار شود اگر زنان از نگاه مسايل اقتصادي خود كفا باشند خشونت عليه زن نيز كاهش پيدا مي كنند.

زرغونه ژواک عطا

در ابتدا از محترم عبیدی برای این همه کار و پیکار بزرگ که براه انداخته اند سپاسم را اظهار میدارم و ثانياً از همه دوستان اشتراک کننده پوزش میخوام که نتوانستم در ميز قبل اشتراک نمایم ولی احساس و قلبم هميش برای مردم و زن وطنم با شما فعالان سربلند برای یک جنبشی که از سالهایی سال گاه خیلی

تند و گاهی سرد و یخ زده و گاهی هم در خفا و بصورت مخفی مشعل داران این راه آنرا بر افروخته نگاه داشته اند بوده و هستم.

لازم میبینم که نخست باید اهداف مشخص گردد و هم مکثی داشته باشم از نقش زن افغان من حیث انسان زن در تغییرات بنیادی یا زیر بنایی جامعه ، وقتی سخن از زیر بنا و اقتصاد بمیان میاید که جزء اساسی و بنیادی یک جامعه شمرده میشود پس باید نقش زن در آن مشخص و چشم گیر باشد که بدبختانه اثرگذاری زنان در آن یا هیچ محسوس نبوده و یا هم خیلی کم رنگ و همیشه تلاش بر این بوده تا زنان از لحاظ اقتصادی وابسته به دیگران و بخصوص مردان جامعه باشند و نقش شان در تصامیم و عمل پسيف و نهایتا خیلی ضعیف.

که این دلیل را میتوان به حیث عامل عمده در اثر گذاری زن من حیث انسان از نظر افتاده در جامعه انسانی و خاصتا کشور مان حساب داشت.

از آنجاکه همه میدانیم که کشور مادر دهه هایی واپسین زندگی سیاسی خویش قربانی بازیگران سیاسی جهانی به همدستی خائنین ملی شده اند که در نتیجه همه هستی مادی و معنوی وطن را به باد فنا و نیستی برابر نموده که در گام اول تیغ برآن این حوادث متوجه زندگی زنان افغان بوده و هست.

در گام بعدی مسایل رو بنایی جامعه که در آن مذهب ، فرهنگ و عنعنات یک جامعه شامل میشود به کمک دست هایی نامریی بیگانه و با استفاده از میلیون ها لشکر فقر زده ، مجبور و بی علم و در تبانی گروپ هایی دهشت افکن و افراطی نه تنهاییکه به عقب کشانده شده بلکه بار سنگینی این جنایات و تبهکاری ه را زنان حمل مینمایند.

و برای رسیدن به اهداف ، وظایف ذیل را بر می شمارم برای دستیابی و راهکار آینده :

-تشدید مبارزه برای احراز جایگاه اصلی من حیث انسان برابر در جامعه بسته و مرد سالار .

-کار برای تشخیص کار هایی اصلی و اساسی زنان در شرایط کنونی.

- طرد و مبارزه علیه شبکه هایی چون (انجو ها) با دید بیگانه و فورمول دور از واقعیت هایی جامعه افغانی.

- ایجاد عنعنه ی کار صادقانه و راستین فعالان زن برای بدست آوردن خواست برحق شان .

-تشخیص ضرورت های زنان با چشم باز افغانی و برخورد سالم متوازن با لزوم دید شرایط مسلط جامعه و اشاعه و استفاده از سنن مثبت جامعه افغانی.

-بازنگری دقیق از وضع اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی زنان و یافتن راه حل دقیق نظر به شرایط ، محل و محیط برای عملی ساختن نسخه هایی تطبیقی.

-تناقض و موانع رشد ذهنی و فکری زنان باید طور دقیق بررسی و مطالعه گردد و بنایندسخه هایی از بیرون و بیگانه در تضاد و تناقض با خواست زنان مورد تطبیق قرار گیرد.

شیما غفوری

همسخنان گرامی، من هم به نوبه خویش به نمایندگی از هیأت مدیره کانون همافهنگی زنان افغانستان مقدم شما عزیزان را در میز مدور خوش آمدید گفته، به وجود هر یک شما به خود میبالم .

خوشحالم که به اینگونه زمینه تبادل افکار بین خانمهای با دانش و فداکار وطن که دارای تجارب و دیدگاه های متفاوت میباشند، فراهم میگردد. آرزو دارم تا این میز به حیث یک پلاتفورم مشترک محلی باشد برای ابراز آزادانه نظرات مدافعان حقوق زن، شناخت طرح ها و افکار همدیگر و تمایز مشترکات و تفاوت های شان. تا در نتیجه با وجود تفاوت ها یک مقطع مشترک را در نظریات پیدا نموده و براساس آن بتوانیم کار های مشترکی را به نفع زنان کشور انجام داده و موضعگیری های معینی را در شرایط حساس کنونی متحدانه اتخاذ نمائیم، در عین حالیکه هر سازمان ، انجمن و هر شخص استقلال خویش را حفظ نماید.

به امید همکاری های بیشتر مدافعان حقوق زنان کشور

شینکی کروخیل

از اینکه دیر می نویسم معذرت می خواهم. من مانند هم دوستان با ادبیات خیلی زیبا نوشته نمی توانم. به هر صورت! با تأیید نظریات دوستان باید بنویسم که مشکلی سیاسی واجتماعي يك طرف، مشکل خود ما زنان مبارز و مدافع حقوق زن است. ایا ما زنان واقعا يك دیگر خو در پذیرفتیم؟ ایا مسائل قومی حرکت های داد خواهی ما را متاثر نساخته؟ ایا ما واقعا کسی که برای زن کار می کنند به خاطر قوم و زبانش تنها نگذاشتیم؟ در اینجا چند نفر استثنایی داریم. اما امروز دادخواهی برای حقوق زن يك شعار و يك وسیله برای شهرت یابی است. ده ساله تجربه در پارلمان و بقیه چالش ها برایم نشان داده که باید زنان واقعا اول خود شان باورمند شوند و خود شان مانع دادخواهی برای حق زن نشوند. اگر ۶۹ زن در داخل و ۱۰۰ ها زنها در بیرون واقعا متهد می شدند امروز ما زندگی مختلفی را می داشتیم. به نظر من باورمند شدن زن اول، باز متعهد شدن اش که مبارزه کند و سوم همپذیری دیگر زنان و ساختن يك حرکت دسته جمعی خیلی ضروری و حیاتی است. تا کسانی که ما را ضعیف می دانند، احساس جوابدهی نمیکنند، احساس خطر از طرف زنان نمی کنند. و همیشه ما فراموش شدیم و ادعا حق و برابری نمی توانم. باید متحد شویم، به خاطر شهرت نه بلکه به خاطر يك هدف مشترك که حق و برابری برای زن که انسان است مبارزه کنیم و فکر کنیم که از يك قوم است و ان قوم انسانیت است. و مسولیت داریم به مقابل ۸۰٪ زنان که صدا ندارد و بیسواد است. صدای متحد شویم تا صدای ما قوی و بلند شود که شنیده شود ورنه ما در جامعه کر زندگی می کنیم. باور داشتن به چیزی که می گویم و باز جرأت و تعهد مبارزه و پذیرفتن دیگر زنان آغاز يك حرکت کامیاب برای حقوق و برابری برای زنان خواهد بود ورنه يك حرکت ضعیف، شکست و فرصتی برای شهرت طلبان خواهد

یلدا قمر کرزی

احترامات و سلامها خدمت دوستان که برای اظهار نظر زنان و تجمع و اتحاد شان پیگیر فعال اند و آگاهانه تلاش دارند تا زنان را از حقوق وجایب و مسؤلیت هایشان در جریان بگذارند و خدمتی شایسته برای بهبودی وضع زندگی شان درگل انجام دهند سپاسگزارم.

زنان تجارب تلخ و زیان باری را درطول تاریخ بخاطر دارند همیشه قربانی تعصب، خشونت، حسادت و جهالت شده اند که

شمار آن از حوصله این نوشته مختصر نیست ، حال و موقعیت زن تعریف ندارد وصف اش تحقیر، سرزنش ، تهدید لت و کوب و کشتار است و بالاخره باید ازین محدوده و تار عنکبوت که بدورما حلقه زده و باعث خفقان میشود بیرون شد و با یک آرمان مشترک و اتحاد هماهنگی برای رهایی از جهل و خرافات، ظلم و استبداد باهم دست دهیم و پیکار کنیم قوت هر یک زن میتواند موفقیت باشد.

عارفه عمرلور بشیر

سلامونه درنښت او نیکې هیلې، هېله ده چې د دغه میز چلوونکې، گډون کوونکې او لوستونکې ټول روغ او جوړ اوسئ .

راغلو عبیدي صیب ستاسو پوښتنې ته، دندې او موخې دوه بیلې بیلې موضوع گانې دي، غواړم په دواړو موضوع گانو خپل نظر درسره شریک کړم. لومړی که راشو موخو ته چې دموخو په شتون کې دندې ټاکل کېږي بیا به په دندو وغږیږو.

موخې یا هدفونه:

کله چې موږ له ښخو نه غږیږو او بیا د ښځو د حقونو نه غږیږو نو ښکاره خبره ده چې دلته یوه ټولیزه موخه ده، په ټولنه کې د ښځو د انساني حقونو تامین. چې د دغې موخې د ترلاسه کولو لپاره ښایي لارې او ګوډرې ولټول شي.

تر ډیره بریده نږدې له یوې سلیزې راپه دیخوا زموږ په هیواد کې واکمن نظامونه دغې موخې ته درسېدو لپاره په ښکاره ژمن ول، پرته د طالبانو له واکمنۍ نه نورو ټولو واکمنو نظامونو ورته څه ناڅه کار کاوه. چې ډیره ښه بیلګه یې داماني دورې لاسته راوړنې او همداشان دنادرخان دکورنۍ له واک وروسته په ټولو سیاسي او ټولنیزو چارو کې ښځو ته ونډه ورکول، بیا دښځو په نوم د ښځو د حقونو دترلاسه کولو لپاره ځانګړی وزارت جوړول دي، خو له بده مرغه نه یواځې داچې په دې نږدې یوه سلیزه کې په هیوادنۍ کچه د ښځو د حقو انساني حقونو په ترلاسه کولو کې موږ د پام وړ ښې لاسته راوړنې نه لرو(دالبته داخبره د زماني واټن په بنسټ کوم) بلکه موږ دهیواد په ډیرو سیمو کې د ښځو په وړاندې دزور زیاتي کچه لوړه شوې ده. دا ځکه چې یو خو واکمنو تل د خپلو سیاسي موخو ترلاسه کولو لپاره تش په نوم د ښځو د حقو انساني حقونو چیغې وهلې دي. بل داچې په هیواد کې په دې نږدې یوه سلیزه کې یوه ر غنده او اغیزمنه پالیسي منځته نه ده راغلې چې د هغې په اساس د ښځو د حقونو د ترلاسه کولو لپاره

دندې مشخصې شي او اهداف تعقيب شي. نو زما په اند د ښځو دانساني حقونو د ترلاسه کولو لپاره تر ټولو ستره دنده يوه عملي، کارنده او کولې پاليسي منځ ته راوړل دي او بيا د دغې پاليسي عملي کولو ته پرته له سياسي موخو نه د حکومت او دولت ژمنتيا ده .

زه ره سادات هاشمي

با عرض احترام و سلام حضور تمام دوستان

از اینکه خود را در جمعي از متفکرين , فعالان و اندیشمندان در میابم احساس خشنودي میکنم.

ادبیات قوي ندارم اما راجع به سوال نظریاتم را به اشتراك میگذارم

با توجه به کمتهای داده شده که مشتمل اند بر جداسازی مسایل زنان از سیاست بازی های مردانه, باورمند ساختن زنان و جلوگیری از سواستفاده اقتصادی از نام زنان و دیگر نظریات میتوان به این نتیجه رسید که امروز جامعه, مردم و بخصوص قشر آگاه بر روند شرایط واقف اند, مگر چیزی که مهم است تهیه و تدویر راهکارهای عملي برای خروج از این شرایط است. چگونه میتوان زنان را باورمند ساخت?? نهادهایی که در این عرصه مصروف فعالیت اند تا چه حد کامیاب بوده اند?? ویا اگر فیصدي کامیابی پایین بوده چرا و چه باید کرد???

چگونه بایدفهمید يك ارگان, سازمان و یا يك نهاد واقعا برای زن کار میکنند نه اینکه از نام ان صرف سواستفاده بعمل مي آید???

چگونه باید خود را از گرداب سیاست بازی بیرون کشید???

این ها و صد ها سوالات دیگر در اذهان ما خطور خواهند کرد که بایدبرای آن راهکاری واضح و روشن طی يك زمانبندي مشخص تهیه گردد.

از دیدگاه من درد و محل آن و همچنان علت آن مشخص گردیده حال باید پی دارو ودرمان رفت . نوع دوا, مقدار وزمان آن را باید در نسخه پیچیده.

حمیرا حقل

قدرمنو دوستانو سلامونه او نیکی هیلې می ومني ،خوشحاله یم چی د خپلو روڼ اندو خویندو او ورونو سره پدی مهم بحث کی گدون کوم . د هغی و رزی او زمان په هیله یم چی د نری د نورو شزو تر سنگ د افغانستان زوریدلی او هر دم شهیدی شزی او میرمنی چی لا د پرمختگ په لحاظ په منزیو پیروی کی ژوند کوی د شو او اړینو فرصتونو او آسانتیاوو د لاس ته راوړلو او د هغی نه د اغیزمنی گتی پورته کولو او مثبت بدلون شاهدان واوسو.

قدرمنو دوستانو تاسو ټول پدی شه پوهیگی چی موخی او اهداف د ژوند په هره برخه او د هر قشر لپاره چی وی د ارتیا او ضرورت پر بنسټ باندی ټاکل کیژی چی مونږ هم نشو کولی پخپل گران هیواد کی د شزو وضعیت او حالت ته پرته لدی چی ارتیاوی او ضرورتونه مو یی نوی تشخیص کری او اصلی ستونزه مو نوی په گوته کری د مداوا لپاره اړین او لازم درمل

ورته تجویز کرو.

د تیرو لسیزو د زدکړو او تجربو په اساس باندی موخی او د ندی باید په بلا بیلو کچو وویشل شی په لاندی ډول:

- 1 - د دولت په کچه
- 2 - د ټولنی په کچه
- 3 - کورنی په کچه
- 4 - د وگړو په کچه
- 5 - د بین المللی ټولنی په کچه

چی هر یو پخپل وار سره په بیلا بیلو برخو کی د شزو د ژوندانه د بهبود او فعالی وندی اخستنی او تصمیم نیولیو او د لیدر شپ او مدیریت په برخه کی لازم او ضروری پالیسی طرحه او تطبیق کری.

په پورتنی ویشنه کی د هری کتگوری نقش مهم او اساسی گنل کیژی او پخپل وار او زای کی کولی شی موجوده ناخوالو ته د پای د ټکی ایشودلو خوا ته ور نژدی شی . اوس دوستان کولی چی د هری کتگوری او کچی د مسؤلیتونو اړوند خپل نظریات راسره شریک کری. مینه او مننه

ناجیه حنیفی

برای تعیین اهداف و راهکاری که بتواند در راستای تامین حقوق انسانی زنان موثر و عملی باشد - در قدم نخست در سطوح مختلف اعم از سیاست گذاری و اجرایی دولتی و نهاد های خدماتی غیردولتی نیاز به نسل باسواد و باورمند به برابری زنان (نه در پرتو ؛ عنعنه ۵۰۰۰ ساله؛ و یا سنت های ابایی و یا این و آن کتاب مقدس) است که با طرح و تطبیق برنامه های کلان و موازی ملی چون سواد آموزی اجباری- تصویب قوانین مدنی سیکولار - اصلاح نهاد های که مسوول حفظ جان و عزت شهروندان اند به ویژه پولیس و نهاد های عدلی و قضایی - و طرح برنامه های اقتصادی که مشارکت زنان در ان تضمین شود - بتوانند تغییرات ابتدایی را وارد کنند. در بخش تعلیم و تربیه نیاز به نصاب تعلیمی به روز و مدرن است که در آن کلیشه های جنسیتی تقبیح و به کرامت انسانی زنان تاکید شده باشد - و فارغ از هر نوع اجندای سیاسی -مذهبی باشد. یک چنین روش تعلیمی و تربیتی میتواند در دراز مدت به رهایی زنان بیانجامد - چون طیف وسیع زنان با سواد میتوانند به تدریج از حقوق انسانی شان به دفاع برخیزند و برای عملی شدن آن مبارزه کنند . دوم- تصویب و عملی کردن قانون مدنی و یا خانواده سیکولار که حقوق زنان در آنها مشروط به هیچ متن تاریخی و مذهبی نباشد(چنانچه ماده سوم قانون اساسی فعلی همه ای قوانین را بر شریعت اسلامی مشروط دانسته و تعریف مشخصی هم از شریعت ننموده است) . سوم - و مهمتر از همه نهاد های مسوول تامین امنیت و عدالت برخورد انسانی با زنان داشته باشند.

زنان باسواد و صاحب صلاحیت باید پیشتاز خواست های مدنی چون اصلاح دولت و پایه گذاری ارزش های والایی انسانی باشند چون - هیچ کسی به جز پدرسالاری از انارشیزم بهره نمبرد.

این بحث بزرگی است من به کمپیوتر شخصی ام دسترسی ندارم که به تفصیل به هر بعد آن بپردازم- من پیشنهاد میکنم که این بحث را به بخش های مختلف تقسیم کنید.

راضیه هوتکی

عزیزان و دوستان گرامی را هزاران دورد و سلام.

با تائید نظر دوستان در بحث میز مدور که واقعا بسیار زیبا و همه جانبه از تاریخ گذشته مبارزات زنان افغان قربانیها تلاشها و همچنان فعلا از خود گذری زحمات فعالان حقوق زنان افغانستان که در داخل و خارج از کشور طرح گردیده.

نظر مختصر خویش را ابراز میکنم:.

یگانه راه رسیدن به تامین حقوق زنان افغانستان

طرح تصویب قانون منع خشونت علیه زنان ، با داشتن تصویب قانون ، این قانون باید به عنوان یک قانون مستقل با قوت همیشگی خود باقی و در قوانین عمومی ادغام نگردد که این هم تلاش و مبارزه کار پیگیر دارد..

مساله آزادی و رهایی زن از قید مناسبات کهن و مرد سالارانه گذشته وابسته به آنست که خود زنان تا چه حد برای زدودن این مناسبات آماده گی و تلاش دارند که کار باید گردد البته با کمک های مالی خوبتر نتیجه میدهد . و دیگرکه همه عزیزان طرح کردند استقلالیت اقتصادی زنان است که بتوانند خود کفا باشند که بدون بودجه قبلا تعیین شده امکان پذیر نیست واقعیت های فعلی جامعه همین است.

- توجه جدی به آگاهی دهی زنان و مردان در مجموع همگانی

حق و اختیار زن بر موجودیت خودش، حق ملکیت اقتصادی زن، حق تساوی زن و مرد به فرزندان شان، از طریق سواد، تعلیم و تربیت ، ایجاد مکاتب ، کورسهای سواد آموزی با امتیاز (مدرک مالی)

مؤسسات کاری ، کورسهای سواد آموزی ، مکاتب بخاطر آگاهی و خودکفایی زنان با تدویر سیمینار های آگاهی از حق و حقوق بشری شان نه از اینکه زن است و یا جنس دوم.

سهیلا حسرت نظیمی

مننه کوم له بناغلي عبیدی نه چی دوهم میز ته یی هم راوبللم .

د درنو خویندو د ویناوو په تأیید یوه عمده خبره زیاتول غواړم. افغانستان یو سنتي او نارینه سالاره هیواد دی چی د مذهب نه هم د نارینه په خوښه او گټه کار اخیستل کیږي. په دی هیواد کی نارینه یو خو د کمی

پوهی او بل د انساني ځان غوښتنی او د تسلط د حرص له امله ښځه یوازې یوه متاع گڼي. د همدی حس له امله ښځی د یو لوی نعمت او د ژوند د اساسي برخې یعنی علم او سواد څخه محرومی ساتل شوي. دا خبره په وار وار او هر ځای تکرارېږي چی "حق نه ورکول کیږي، حق باید واخیستل شي". خو زموږ خویندی او میندی چی د بیسوادۍ له امله خپل حق نه پیژني، څنگه به یی تر لاسه کړي؟

زه د وړاندی شوی پوښتنی په ځواب کی دا دنده د ښځو د حقوقو د تأمین لپاره ډیره حتمي بولم چی له پلرونو، وروڼو او زامنو سره باید اساسي کار وشي او د دی لپاره ځانگړی پروژې په نظر کی ونیول شي چی ان د ورکتون او ښوونځي نه په ټولنه، کورنی او بیا نړی کی د ښځو د ارزښت او د دوی د انساني حق په اړه تنکي هلکان وپوهول شي او دغه راز نجونو او میرمنو ته هم د هغوی روا انساني حق ور په گوته شي.

عارفه عمرلور بشیر

یو ځل بیا سلامونه او درنښت، غواړم د پورته نظرونو په لوستو سره خپل دوهم نظر هم شریک کړم، هېله منه یم چې زما د دغه نظر په لوستو سره گراني او د علم په گانه سمبالې خویندې ما گرمه ونه بولي.

پورتني نظرونه ما چې څومره ولوستل، نو دې پایلې (نتیجې) ته ورسېدم چې زموږ دمیز خویندې دا هېله لري چې لومړی خو باید دښځو دانساني حقونو دترلاسه کولو لپاره مذهبي اصول او قوانین له پامه وغورځول شي، دویم باید د ښځمنو د سواد او اقتصادي ځواک کچه لوړه شي.

خو زه له پورتنیو خبرو سره تر ډیر همغږې او همنوا نه یم، راځو لومړی دین او مذهب مسلي ته، دافغانستان څه کم سل سلنه وگړي مسلمانان دي، سنتي او له خپلو دیني احکامو نه ناخبره مسلمانان، د دې په ځواکې زموږ غوڅ اکثریت خلک خپل دودونه، رواجونه او عادات په اسلام دین پورې تړي او داسلام مبارک دین یو جز یې بولي، نو په داسې یوه ټولنه کې څه رنگه کېدای شي چې موږ سیکولر قوانین مطرح او عملي کړو، راځئ په افغانستان کې د ښځو دانساني حقونو د ترلاسه کولو تاریخ ته یو نظر واچوو، وگورو هغوی چې دغه ډول قوانین مطرح کړي او زموږ په ټولنه کې د هغو د عملي کولو لپاره یې کار کړی، په کوم برخلیک اخته شوي دي او د ښځو د حقوقو په ترلاسه کولو کې یې څومره لاسته راوړنې درلودلې دي.

نن ورځ هر هغه افغانه میرمن چې دازادي یا دحقوقو غږ پورته کوي زموږ په ټولنه کې هغې ته ديوې بې لارې ښځې په سترگه کتل کيږي، او ټول وگړي باسيواده او بې سيواده، ښځې او نارینه له ښځينه انساني حقونو او ازادۍ يو غلط تعبير لري، چې زه يې يواځينی لامل هماغه سيکولر قوانين او کړنلارې يا برنامې بولم چې دځينو داسې مشرانو له خوا مطرح شوې کوم چې زموږ ټولنه او خلک يې سم نه پيژندل. په افغانستان کې دپير روښان له دورې نه يا نې له شپاړسمې ميلادي پيړۍ نه را په ديخوا د ښځو د حقه حقونو لپاره مبارزه روانه ده، خو زموږ لاسته راوړنه څه ده؟ پرته له څو ښاري او لوستو ميرمنو نه چې د هېواد د اوسېدونکو اېله يو سلنه به جوړوي او که نه ، نورې ميرمنې چې زموږ دټولنې نيم قشر جوړوي په کوم حالت کې ژوند کوي؟ او د نورو اسلامي هيوادونو د ميرمنو په پرتله څومره انساني حقونو څښتنې دي؟ له دغه نږدې پاکستان سره يې که پرتله کړو دپاکستان له جوړېدو نه ايله نيمه پيړۍ اوړي خو په دغه هيواد کې زموږ د هېواد په پرتله ښځې د ډيرو انساني حقونو څښتنې دي او د حقونو لپاره مبارزه هلته د ښځو لپاره عار نه گڼل کيږي.

زموږ همدا ستونزه ده چې موږ خپله ټولنه سمه نه پيژنو او نه يې دپيژندلو هڅه کوو ، ځکه خو زموږ هر قدم له خطر سره مخ وي، دا افغانستان دی، هغه هيواد چې ۳۸ کاله کيږي په کې د جگړې وحشت خپور دی، په دې هيواد کې هر واکمن او هر سياسي گوند خپله سياسي کړنلاره د ښځو دحقونو په بنسټ ټاکي ، څوک سيکولر شي، څوک مذهبي او څوک منځلاري، خو په ټوله کې هريو دښځو په اړه بيل بيل قوانين مطرح کوي، دا ځکه دوی پوهيږي چې دا مسله دوی تر بري رسولی شي، ، دا هغه هيواد دی چې يوه ميرمه د دودۍ د ناوخته کولو لپاره دخپلې ميرمنې گوتې کباب کړې وې نو زه فکر کوم چې زموږ په هيواد کې به د غير مذهبي قوانينو پلې کول او ترې ښه نتيجه ترلاسه کول ناشونی او ناممکنه وي، ښايي دا لاره په نورو غير اسلامي او غير سنتي هيوادونو کې سمه نتيجه ورکړې وي، خو زموږ په هيواد کې يې پايله به هماغه وي چې مخکې وه، راحی وگورو غازي امان الله خان همدغه غير مذهبي کړنلاره غوره کړه، پايله څه شوه، تر کلونو کلونو دښځو دحقونو غږ غلي او مړ شو، نورمحمد ترکي بيا همدغه کړنلاره مخې ته واچوله ، سره له دې چې د ښځو په اړه دريځ يې له اسلام دين سره په ټکر کې نه و خو د سيکولر نوم ورکړ شو او پايله ښايي ستاسو په زړه وي چې څه شوه؟ ډيری په دې عقیده دی چې داوسنی جگړی د پيل ډير لاملونه هماغه ۳۸ کاله دمخه د ښځو په اړه د واکمنو سيکولر کړنلاره وه. زه فکر کوم که چيرې موږ د نورو اسلامي هيوادونو کړنلارې مطالعه کړو او په خپل هيواد کې يې داسې په پام ترې گټه واخلو چې دخپلو خلکو حساسيتونه ونه پارو دابه ډيره غوره وي.

شېما غفوری

همسخنان عزیز، خوشحالم که در این میز مدور علاوه بر جوابات در ارتباط با پرسش های معین گرداننده عبیدی صاحب گرامی، بالای مسایل بنیادی جر و بحث نیز صورت میگیرد. امیدوارم در این میز مدور بسته سری دوستان بتوانند گفتمان مثمری را انجام بدهند. زیرا برای تعیین پالیسی مشترک ما و شما به چنین بحث ها ضرورت داریم.

حمید عبیدی

همسخنان گرامی، در یگانه تبادله یی که انسان ضرر نمی کند تبادل نظر است. کار من به حیث گرداننده فراهم ساختن زمینه برای بحث و تبادل نظر میان دارنده گان دیدگاه های گوناگون است. واقعیت همیشه جنبه های گوناگون دارد. و اما دیدگاه ها خواهی نخواهی یک بعدی اند. به همین جهت است که برای شناخت کامل واقعیت به بحث و تبادل نظر میان دارنده گان دیدگاه های گوناگون نیاز است. اگر همه یک دیدگاه داشته باشند، نیاز چندانی برای بحث و تبادل نظر باقی نمی ماند. در جامعه باز ممکن نیست همه انسان ها یک دیدگاه واحد داشته باشند. جای خوشی است که این تبادل نظر در فضای سازنده و با رعایت احترام متقابل جریان دارد. به همین جهت نیز است که من در جریان بحث کم تر مداخله میکنم. امیدوارم در پایان میز به رغم دیدگاه های گوناگون اشتراک کننده گان بتوان وجوه مشترک را نیز تشخیص داد. باور دارم در نامطلوب تعریف کردن وضعیت موجود و تعریف یک آینده مطلوب ممکن، شاید تفاوت ها میان همسخنان زیاد نه باشد. تا جایی که من میبینم تفاوت بر سر راه برونرفت از وضعیت کنونی و رفتن به سوی آینده مطلوب ممکن است. در یک جامعه در حال گذار از ماقبل مدرن به مدرن چنین چیزی عجیب نیست. وجود بدیل ها برای حل مسایل و راه رفتن به سوی آینده، الزاما چیز بدی نیست. دیموکراسی وجود چنین بدیل ها را مجاز و حتا مطلوب میداند. ببخشید که به جای تنها طرح پرسش، من هم نظرم را بیان کردم. به حیث گرداننده معمولا میکوشم از تبصره و ابراز نظر اجتناب کنم؛ این بار را به بزرگواری تان بر من ببخشید.

عارفه عمرلور بشیر

زما په اند خو اغیزمنې او اسانې لارې شته چې په هیواد کې دښځو دحقه حقوقو دترلاسه کولو لپاره ترې ګټه واخېستل شي:

۱- داسلام مبارک دین:

زموږ په هيواد كې ديني احكام او اصول پرته له ټكره منل كيږي او خلك ترې په سر او مال ساتنه كوي. داسلام په مبارك دين كې دعلم زده كړه په نارينه او ښځينو فرض گڼل شوې ده، ولي له دغه چانس نه گټه نه اخلو چې په نورو نويو او زموږ په هيواد كې په نا منل شويو قوانينو پسې ځو.

زموږ په محمدي شرعيت كې په ټولنيزو چارو كې ، دميره او پلار په كور كې دښځو لپاره ډير غوره حقونه ټاكل شوي دي، ولي له دغو اصولو نه گټه وانه خلو. كه چيرې موږ وكړاى شو چې په افغاني ټولنه كې هغه حقونه چې اسلام مبارك دين ميرمنو ته وركړي ، هغه ميرمنو ته تامين وكړو ، په دې باور ولرئ چې موږ به په افغاني ټولنه كې دښځو په وړاندې دخشونت او زور زياتي كچه تر ډيره بريده راټيټه كړې وي.

ما چې څومره نورې مذهبي ټولنې لوستې دي ، هلته دهماغه مذهبي قوانينو په رڼا كې ښځمنو ته دكار او زيار زمينه برابره شوې او حقوق وركړل شوي دي.

په افغاني ټولنه او كورنۍ كې دښځو دشرعي حقونو وركړه به د دې لاره هواره كړي چې افغاني ښځې وكړاى شي لوست وكړي، كار وكړي همداشان اقتصادي ځواك پيدا كړي.

كه چيرې موږ له خپل دين نه پيل وكړو او كار وكړو نه يواځې داچې دخلكو له حساسيتونو سره نه مخ كيږو بلكه زموږ لاره به لنډه ، كم مصرفه او نتيجه به غوره وي، موږ په دې لاره كې كولاى شو د ديني علماو مرسته وغواړو، خو شرط دادى چې موږ خپله په دغو اصولو وپوهيږو چې وكړاى شو نور هم وپوهو او قناعت وركړو.

۲- دښځو دحقه حقوقو د ترلاسه كولو لپاره نارينو ته قناعت وركول.

زموږ په هيواد كې دښځو دحقونو دترلاسه كولو دمبارزې په برخه كې په تيره سليزه كې يواځې ښځو سره دهغوى دپوهاوي لپاره كار شوى دى خو لاسته راوړنې دكار په پرتله په نشت وې او دي. ان هغه ميرمنې چې دښځو دحقونو نارې وې و هغوى هم په خپلو كورونو دهغه ډول انساني حقونو څښتنې نه دي چې بايد وې. د دې دليل دا كيدای شي چې موږ نه يو توانېدلي چې په خپله ټولنه كې نارينه قشر ته قناعت وركړو او هغوى هم په دې لاره كې دځان ملگري كړو.

افغاني ټولنه يوه نارينه واکي يا مرد سالاره ټولنه ده، په دې ټولنه کې هغه کار غوره او شونې چې د نارينه هوکړه ورسره وي، نارينه قوانين جوړوي او پلې کوي يې، نو په داسې يو ټولنې کې د ښځو په شان د فزيکي او اقتصادي پلوه ديوه کمزوري قشر چيغې او نارې ځای نيول يو ناشونې او ناممکنه کار دی، دا سمه ده چې حق په زور اخيستل کيږي، خو دلته شرط زور دی، او چې دافغانو مظلومو ښځو په شان کمزورې به څه رنگه په زور حق واخلي، يوې خوا د دوی فزيکي او اقتصادي ناتواني، له بلې خوا جگړه او دسياسي ډلو تېلو ډول ډول قوانين، له بلې خوا دودونه رواجونه او له بلې خوا هغه بنسټ پالي چې دښځو دحقونو په نوم څه نه پيژني.

د دومره خنډونو په وړاندې مبارزه تعقل، زغم او تدبير ته اړتيا لري، او په دې مبارزه کې اړينه ده چې د مقابل لوري يوه ډله بايد قانع او خپله شي، چې دا ډله افغان ناپېلي نارينه دي، دا ځکه دوی ته قناعت ورکول ښايي هومره ستونزمنه نه وي، که چيرې په افغاني ټولنه کې ښځې په دې ونه توانيږي چې افغان نارينو ته قناعت ورکړي نو باور دی چې مبارزه به يې هم ښه پایله ونه لري، نو ښه خبره داده چې دښځو دحقونو د ترلاسه کولو دمبارزې په لاره کې د افغان نارينو د پوهاوي کړنلاره له پامه ونه غورځول شي او ډير کار ورته وشي.

۳- دښځو دحقه حقونو دمبارزې په لاره کې نارينو ته دپام وړ ونډه ورکول

تر دې دمه په افغاني ټولنه کې يواځې ښځې دخپلو حقونودترلاسه کولو لپاره مبارزه کويو ځکه نتيجه يې هم دقناعت وړ نه ده او بل داچې زموږ په ټولنه کې دپام وړ ملاتړ هم نه لرياو ډيری خلک داسې گومان کوي چې دښځې غواړي له شته دوديزو قوانينو نه سرکشي وکړي، بل داچې زموږ په ټولنه کې نارينه او خلک دښځو خبرو او چيغو ته هومره ارزښت نه ورکوي لکه ديوه نارينه خبرو او غوښتنو ته چې ارزښت ورکوي، بل دا چې نارينه د بل نارينه په خبرو ښه پوهيږي او سړيو ته هم دهغوی دخصوصياتو په پيژندلو سره قناعت ورکولی شي، بل سړي هر ځای ته سفر کولی شي، له خلکو سره په مسجدونو، ډيرو اوحجرو کې کيناستی شي او خبرې اترې کولی شي، خو که يوه ښځه په مسجد يا ديره کې کيني ښايي دکرا نتيجه به يې نه يواځې داچې مثبته نه وي منفي پايلې به هم ولري، دا يو حقيقت دی، او له دې حقيقته بايد سترگې پټې نه کړو، خو که چيرې موږ نارينه په دې لاره کې دځان ملگري کړو او په هغو موسساتو او وزارتونو کې ورته دکار او زيار زمينه برابره کړو چې دښځو دحقونو لپاره کار کوي نو موږ به په دې توانيدلي يو چې خپلو يو خو دنارينو يو ټولگي ته دښځو دحقونو د ورکړې لپاره قناعت ورکړی وي بل داچې له نارينو دسره دپوهاوي دکار اسانه لار به موندلې وي.

زهره یوسف داوود

دوست عزیز معذرت می‌خواهم که دیرتر جواب دادم

من هم با خواهران دیگر موافقم که واقعاً دست آورد های ۱۳ سال اخیر باید حراست شود ولی امید که این تغییرات در حیات «زن افغان» موقتی و سمبولیک نبوده باشد و قوانین که برای بهبود وضع زنان به تصویب رسیده باموجودیت و یا عدم موجودیت قوای خارجی پیوند نخورده باشد و نباید از موقف و یا داعیه زنان منحيث ابزار سیاسی استفاده شود در آنصورت قدم های برداشته شده نتایجی خواهد داد.

دکتور عالمه

دوستان عزیز سلام بحث های هریک از فعالان حقوق زن همه جانبه و بسیار دقیق طرح می شوند. چقدر آموزنده است که نکات نظر هریک دوست و تجارب شان را می خوانیم و من شخصا تکمیل و تکمیل تر می شوم.

شینکی کروخیل

دوستان عزیز، باز هم می خواهم بنویسم که همبستگی بین زنان، هم پذیری و باور داشتن به آنچه که برایش مبارزه می کند، نه به حیث يك ابزار برای شهرت خود. بعدا زنان مبارز باید رول مؤدل شوند در جامعه، تا فرصتي برای حذف یا نپذیرفتن مان بدست انسانان متعصب نیاید. قانون یکی از ابزار هاست برای حمایت مان، مگر صدای واحد و رسا و کتله قوی سیاسی خود يك فشار بالای تصمیم گبران سیاسی میشود و دیگر کسی کوشش برای حذف ما نمی کند. با شامل ساختن زنان در تصامیم خود زمینه حمایت از حقوق زنان و فرصتي برای توانمند ساختن زنان مهیا میشود

زرغونه ژواک عطا

درو او قدرمنو دوستانو د درنشت په وړاندی کولو، د ټولو له نظریاتو نه دی نتیجه ته رسیږو چی ټول پر دی نظر باندی دی چی یو منظم او گد انسجام لپاره چی د وخت یو ضرورت دی باید سره هم ژغی شو، حکه گد او یو موتی کار تل دهری غوشتنی د شه سرته رسیدو اصلی محور دی.

راشی چی ټول حینو اساسی ټکو ته په پاملرنی او د خپلی ټولنی د اجتماعی ، اقتصادی او سیاسی غوښتنو په کټو داسی حرکت تنظیم کوو چی بیا د تاریخی ترڅو تجارو سره مخ نه شو او وکولای شو چی د پوهو او مخ کښو شحو په شان داسی نسخه وړاندی کرو چی د مرض تشخیص سره سم وی.

نو زما په اند ددی کار لپاره دا پریکړی او غوښتنی لومړی په نظر کی وساتو :

-لومړی د شار او لیری پرتو سیمو تر منځ د واټن د منځه ټلو لپاره او دا چی پدی سیمو کی د شحو اصلی غوښتنی او ضرورتونه ده دی ، حکه د شار د شحو د ژوند اندول بیا تر لیری پرتو سیمو ډیر توپیر لری.

یعنی د ژوند د ټولو مناسباتو په نظر کی نیولو سره د مثال په توگه د تعلیم او تربیی په چارو کی په کابل کی په شونځیو او لور و تحصیلی موسسات کی د نجونو او شحو د جذب او بیا په یو جگړه ځپلی ولایت کی دا ونده وحیرل شی

ژوندی مثال یی د جنوبی ولایات و د نجونو او شحو تعلیم او زده کړه ده ، حتی ډیری کورنی خپلی لور ته د حینو مشکلاتو له کبله د شونځی نه د گټی اخیستو حق هم اخلی او هغه چی اقتصادی لورتیا لری په کور کی د تعلیم زمینه ورته برابروی خو بیا د لور و تحصیلاتو د حق نه محرومی وی ، همدا ډول د خوارپو ، بدبختیو او اقتصادی مشکلاتو له کبله 90 فیصده د تعلیم نه بی برخه دی.

له بده مرغه په همدی ولایاتو کی د ډیرو کورنیو اقتصادی بنسټ هم د همدی شحو پر غاړه دی لکه د کندهار ولایت چی اکثره نجونی او شخی یی د خامکی کارو او صنعت د لاری خپل د ژوند چاری پر مخ بیایی خو بیا هم د نارینو او د خپل کورنیو د نارینو دلایه د ټولو انسانی حقونو نه بی برخه دی.

او یا په شمالی او مرکزی ولایاتو کی چی د شحو برخه د قالینو او کمبلو په اوبدلو کی ډیره اوچته او خپل د کورنی اقتصادی بنسټ ددوی د زحمت په بیه دی خو بیا هم اکثره د ډول ډول تاوو تریخ والی اصلی قربانی همدوی دی.

بله ډیره لویه بدبختی او بیرته شاته تگ پدی ورستیو کلونو کی د بهرنیو سیاسی لوبو او د کورنیو سیاسی بد نامو کریو لاس لرل د افراطیت تمویل او روزنه او دمجبورو او بیکاره انسانانو نه گټه پورته کول پدی لوبو کی چی تر ټولو لویه بیه یی زموږ د هیواد شخی او نجونی ورکوی.

ددی لپاره پکار ده چی د شحو د سواد ، تعلیم او زده کړی ته پوره پاملرنه وشي او دا کار هغه وخت سرته رسیدلی شي چی د شحو په نوشت او ابتکار یو ټینگ او یو موتی سیاسی حرکت جوړ شي چی وکولای شي چی د خپل قوت نه د شحو د حق لپاره پر ټولو بنسټونو د فشار او زور د یو حرم حیثیت ولري.

-همدا ډول د سالم بنسټ لپاره اړینه بولم چی د نا پیژندل شوو او بیګانه شعارونو نه چی زموږ د اوسنی ټولنی د اکثریتو شحو د غوښتنو سره سمون نه لري دده وشي حکه زموږ ننی ټولنه تر پخوا ډیره ډیره په شا تګ ته مجبوره شوی.

ژوندی بیلګی یی حتی په روڼ اندو کورنیو کی لیدلی شوو ، چی د لونی او شحو حقه لومړنی اساسی حقونه هم اخلي.

- زما په اند دا چی موږ پر دی تکی تاکید کوو چی حق اخیستل کیږي او حق نه ورکول کیږي نو شحي باید دا توان ولري چی خپل د حق اخیستلو لپاره کار وکي ، له بده مرغه په ډیرو پوهو او بیسواده کورنیو کی حتی شحي خپل حق نه پیژني او کله کله خو داسی هم پیشیږي چی خپله بیسواده مور د لور حق د زوی په وړاندی تر پشو لاندی کوی او وایی دی خو نارینه دی حق لري خور ووهی ، خور یا لور د کور ده او باید د کور کارونه سرته ورسوی او د خبرو او نظر حق اصلا هم نه لري او داسی نور ژوندی مثالونه چی موږ او تاسو په خپل کورنی ماحول کی هره وړخ وینو.

همدا اوس د حینو کورنیو لونی ددی حق نه لري چی خپل نوم دی واخلی شه بیلګه یی د ډیرو شحو ګډون او برخه اخیستل د نارینه په نامه په مجازی نری کی او یا ډیر ترخه بیلګه چی حو کاله مخکی یوه حوانه فعاله په کندهار کی د طالبانو له خوا پدی جرم چی په کابل کی یی د ولایاتو د حوانانو په سمینار کی ګډون کړی وو ترور شول خو کورنی یی تر ننه د حینو سمیه ایزو دلایلو له کبله د لور د مرګ او معرفی کولو نه دده وکرل ، دا یو وړوکی مثال دی چی زه ترینه خبره یم دا چی حومره نوری ددی په شان د شحو د حق لپاره قربانی شوی او بی نامه تللی دا خپله یوه پوشتنه ده چی موږ د شحو فعالانو ته یی حواب تر غاری دی.

دروڼو دوستانو حکه می یو حه په تفصیل د ټولنی دحالت او وړاندیزونه په هکله ولیکل چی د ژوند د حق دفاع لپاره یوازی موږ باید کابل او یا یو حه پر مخ تللی ولایات ونه وینو او کار او شعارونه د هغو د غوښتنو پر بنسټ باندی تر غور او دقت لاندی ونه نیسو ، حکه هر وار د تاریخ د پیشو نه د سم تشخیص

نه کول به بیا موژ د دیر ژور او نه بخشیدونکی بحران سره مخ کی ، چی دا به هم د وجدان نا ارامی او هم د تاریخ شرم وی.

هیله لرم دا حل دیو پوخ او بنسټیز تعمیر د جوړولو د تهداب دبره په گډه او بی له هر ډول ټولنیزو ، قومی، مذهبی او سیاسی ټوپرونو کشیژدو.

منیره یوسف زاده

به نظر من وضعیت زنان افغان انقدر بغرنج است که نمی توان گفت کدام کار در الویت است. اما با این همه دو کار باید در الویت باشد. اول حاکمیت قانون و پاکسازی ارگانهای عدلی و قضایی و امنیتی از دیدگاه زن ستیزانه و دوم فرهنگ سازی. اولی نیاز به اراده سیاسی دارد و دومی نیاز به اراده سیاسی و مردمی.

شیما غفوری

همسخنان گرامی،

افتخار دارم که از این طریق با نظریات عالی برخاسته از دانش و تجارب عملی شما آشنا گردیدم. اینک نظر هیأت مدیره کانون هماهنگی زنان افغانستان را نیز نخست با تمرکز بر روی اهداف و وظایف مبرم و اساسی در مرحله کنونی جهت بحث و ابراز نظر تقدیم شما عزیزان مینمایم: به باور ما، در مرحله کنونی حفظ دستاورد های موجود (حق تعلیم و تحصیل و مشارکت زنان در عرصه های گوناگون زنده گی سیاسی- اجتماعی مثلاً کار در بیرون از منزل، حق احراز پست های مهم، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مقامات انتخابی تا سطح ریاست جمهوری) و نیز در سطح قانون گذاری- تصویب قانون اساسی که در آن مردان و زنان حق شهروندی مساوی را دارند، قانون منع خشونت علیه زنان و لوائح متعدد دیگر به نفع زنان از مهمترین دستاورد ها است که باید با تمام توان برای حفظ ، تقویت، تحکیم و گسترش آن ها مبارزه کرد.

این دستاورد ها در چهارچوب نظام کنونی حاصل شده است. با دوام نظام و رفع کاستی ها و ناتوانی های آن در مسیر استقرار حاکمیت قانون و تعمیق و تحکیم دیموکراسی ، این دستاوردهای زنان باید حفظ شده

و گسترش بیشتر یابند. سقوط احتمالی نظام خواهی خواهی چنان که تجارب تلخ قبلی نشان داده به درجه اول به معنای از میان رفتن دستاوردهای زنان خواهد بود.

هرگاه حاکمیت قانون به تدریج در کشور مستقر گردد، نیروهای هوادار تجدد و دیموکراسی تبارز بیشتر پیدا نمایند و جنبش زنان قوت بگیرد در آنصورت طی یک روند اصلاحات تدریجی ارتقایی، با فراهم ساختن اکثریت اجتماعی شرایط طرح و تصویب قوانین در رفع بیشتر تبعیض حقوقی در برابر زنان مهیا خواهد گردید.

در صورتیکه شمار روز افزون زنان در شهر ها و دهات امکانات آموزش و تحصیل را داشته باشند، زمینه های کاریابی برایشان وجود داشته باشد، با حضور شان در ارگان های دولتی و استفاده آگاهانه و مستقلانه از حق انتخاب نمودن و انتخاب شدن، خواهی خواهی خواهند توانست چنان سهمی را در امور کشوری احراز نمایند که بتوانند تحولات اجتماعی را در جهت رفع تبعیض و دستیابی به برابری حقوق سوق دهند.

البته از اینجا منطقاً سؤال دیگری عرض اندام مینماید که چگونه زنان و سایر مدافعان حقوق زن خواهند توانست تا در شرایط پیچیده سیاسی، نظامی و اقتصادی کنونی از این دستاورد ها دفاع نموده، آنرا حفظ و گسترش بدهند

ماری اکرمی

سلام به همه عزیزان صاحب نظر. سوال من از دوستانیکه خارج از افغانستان هستند است. اگر خدای ناخواسته نظام تغییر کند و زنان دوباره در انزوا قرار گیرند نقش شما ها چه خواهد بود ، برای معلومات همه ما کسانیکه در جریان 13 سال کار و فعالیت کردیم بدون کدام گپ همینجا هستیم و خواهیم بود شاید، و حتی در خانه ها خود مانند دوره طالبان حبس خواهیم شد، فلذا سوال مه باز هم متوجه شما عزیزان است که بیرون از وطن هستید چی پلان دارید به خاطر نجات زن، بیابید بحث های خود را روی چالش ها و موانع که سد راه زنان می باشد داشته باشید و در ضمن روی همکاری و همدیگر پذیری خود ما منحصیث زن داشته باشیم.

شیما غفوری

دوستان نهایت گرامی، خواهر عزیز ماری جان اکرمی،

از طرح سؤال تان بسیار سپاسگزارم. زیرا این سؤال نمایندگی از یک ارتباط زنده، کاری و بی آرایش مینماید.

امیدوارم که شرایط عمومی وطن از این بدتر نشود و ملت افغانستان بار دیگر سرکوب از جنگ های گسترده و پریشان حال نگردد.

در هر صورت پیشنهادات شخصی من در ارتباط با سؤال شما در چند نکته متمرکز میگردد:

اول: همبستگی و تقویۀ صفوف مدافعان حقوق زن. برای دست یابی به آن سه پیشنهاد مشخص دارم:

1. با هر وسیله ممکن آگاهانه، هدفمند و پیگیر همه با هم موقف زن را در قدم اول به حیث یک (انسان) برانده بسازیم. صرف نظر از هر خصوصیت دیگر وی، یعنی قومیت، زبان، مذهب، درجه تحصیل، شغل، نام خانوادگی، ریخت و ساخت بدن، موقفش در خانواده و غیره. طوریکه در کشور های پیشرفته مفیدیت این شیوه ثابت شده است، در کشور ما نیز ضامن همکاری و همبستگی مدافعان حقوق زن در سخت ترین شرایط بوده میتواند.

2. لازم است تا یک وسیله قابل لمس برای همبستگی میان زنان افغانستان در داخل و خارج و در بین لایه های مختلف زنان افغان به وجود آید. این رشته وصل کننده میتواند تعیین یک روز همبستگی ملی بین زنان افغانستان با مشخصۀ افغانی و قابل قبول برای همه باشد. اگر در این مورد نظر همسخنان این میز مثبت باشد در ارتباط با تاریخ و نام روز به اتفاق آراء میتوانیم تصمیم بگیریم. البته در این رابطه یک پیشنهاد موجود است که آن 19 مارچ روز شهادت فرخنده میباشد که توانست تمام افراد عدالت پسند افغانستان را در یک مسیر حرکت بدهد.

3. مخالفت علنی با طرح های تفرقه افکنانه از لحاظ قومی، زبانی و مذهبی

چونکه مدافعان حقوق زن در هر قوم و مذهب وجود دارند در عین حالی که مخالفین آن نیز شامل هر قوم و مذهب میباشد. بهترین محک همبستگی برای زنان همانا موضعگیری شخصی و سیاسی افراد در قبال مسأله زن میتواند باشد که فقط همین خصوصیت باید به حیث یک خط قرمز در تمام اقشار، قوم ها

و مذاهب در نظر گرفته شود. که در نتیجه جبهه همبستگی مدافعان حقوق زن صرف نظر از سایر تعلقات شان قوی و با ثبات خواهد گردید. متأسفانه کشور ما در گیر پراگندگی های متعدد گردیده است. و اما این حالت نه تنها در افغانستان، بلکه در سایر کشور های اسلامی نیز تسلط پیدا کرده است که به وضاحت تاریخ و جغرافیای این کشور ها را تهدید مینماید. به عقیده من تجارب سال های گذشته جنگ در کشور خود ما و حالات جاری در سوریه، عراق، یمن، لیبیا... میتواند برای ما رهنمون کننده باشد

دوم: ایجاد و تقویت شبکه های وصل کننده و همکار بین مدافعان حقوق زن در داخل و در خارج کشور:

متأسفانه خودم از موجودیت یک شبکه سراسری زنان در داخل افغانستان اطلاعی ندارم. اگر چه میدانم که بعضی نهاد ها در کوشش اند تا چنین رولی را در کشور بازی نمایند ولی اینکه چتر آن چقدر وسیع و فراگیر است، نمیدانم. هرگاه شما عزیزان از داخل وطن در زمینه روشنی بیاندازید، برای ما آموزنده خواهد بود.

در این ارتباط در خارج از وطن باید بگویم که متأسفانه چنین چیزی وجود ندارد. از اینرو لازم خواهد بود تا یکی از اهداف اساسی مدافعان حقوق زن در خارج ایجاد چنین شبکه به خاطر همکاری و کار مشترک باشد. در صورت خرابی اوضاع، نقض بیشتر حقوق زنان و تحت فشار آمدن زنان در افغانستان این سازمانها خواهند توانست در کار های سیاسی، اجتماعی و کمک رسانی با هم هماهنگی داشته و شبکه مدافعان زنان و یا سازمانهای انفرادی آنها را در داخل کشور به صورت مؤثرتر یاری برسانند.

سوم: ایجاد پل فعال ارتباطی بین مدافعان زن در داخل و خارج کشور. بدون موجودیت چنین ارتباطات و شبکه ها در صورت خرابی اوضاع هر فرد تجرید گردیده و دستهای همکاری قطع میگردد. در مورد نوع همکاری من نمیتوانم فعلاً پیش بینی نمایم. شرایط و امکانات برای هر کدام خواهد آموخت که چه باید نمود. ولی هرگاه ارتباطات و شبکه ها قبل از قبل موجود باشند، من یقین دارم که همکاری نیز وجود خواهد داشت.

سهیلا حسرت نظیمی

من با مبارزه ی سیاسی از خارج کشور شدیداً مخالفم. در حالات استثنایی که مبارزین سیاسی تحت تعقیب سیاسی قرار داشته باشند این امر استثناست. هرچند مبارزه برای حقوق زن يك مبارزه ی اجتماعیست.

اما شرایط و تسلط سیستم های گوناگون در مقاطع مختلف زمانی موضوع حقوق زن را نیز سیاسی میسازد. اینجا به همین استثناء رجوع باید صورت گیرد.

حالا مبارزه برای حق زنان کشور در بیرون از کشور ابعاد مختلف می یابد. آنچه در خارج از کشور بهتر تأثیر گذار خواهد بود همین مبارزه است.

خواهران افغان ما از زمان آغاز مهاجرتها در پهلوی اینکه برای هموطنان شان با به راه اندازی راهپیمایی ها، کنفرانسها، برنامه های معرفي افغانستان (از جهات کلتور، جغرافیه، تاریخ، اقتصاد و ...) کنفرانسها و سیمینار ها برای بیرون رفت از معاضل سیاسی در افغانستان، کنسرتها و برنامه های خیریه، کمک های صحتی و طبی به آسیب رسیده گان جنگ، جمع آوری اعانه ها برای تمویل مکاتب و مؤسسات خیریه و ده ها پروژه کمکی رزمیده اند، برای زنان کشور نیز به صورت اخص به چنین فعالیتها و مبارزات همت ورزیده اند. ازین جمله میتوان چند مثال از مؤسسات خودکفایی خیاطی و قالینبافی خانمها، تمویل مکاتب دختران در کمپهای مهاجرین در پشاور و هم در داخل کشور کمک ها به خانواده های بی بضاعت و بسیار دگر یاد دهانی کرد. همچنان میتوان از صد ها کنفرانس و سیمیناری یاد کرد که برای دفاع از حقوق زنان به همت و همکاری مستقیم خواهران ما در کشور های غربی دایر گردیده است و تأثیر گذاری بالای سیاستهای حکومت مسلط بر کشور داشته است.

خواهران ما با رویکار آمدن زمینه ی مناسب امنیتی این مبارزات شان را به داخل کشور انتقال داده اند که باعث ایجاد صد ها نهاد برای زنان در داخل کشور گردیده است.

بعید نمیدانم که اگر خدای ناخواسته چنین حالتی بار دگر پیش آید که خواهران ما مانند دوره ی سیاه طالبان در مضیقه قرار گیرند، خواهران بیرون از کشور آرام نداشته توانایی های شان را از خواهران هم میهن شان دریغ نخواهند کرد.

حمید عبیدی

با امتنان از بانو سهیلا حسرت نظیمی به خاطر پاسخ شان، میخوام پیشنهاد بکنم که در «میز بزرگ مشترک» مساله چه گونه گی تفکیک و تقسیم وظایف میان نهادها و فعالان حقوق زنان در داخل و خارج کشور در مرحله کنونی و نیز میان مدت و دراز مدت و حتا حالات احتمالی که بانو ماری اکرمی مطرح کردند، بار دیگر مطرح گردد.

ماری اکرمی

جهان سپاس و امتنان از خانم بزرگوار شیما جان غفوری، خانم نهایت محترم سهیلا جان حسرت نظیمی و یک جهان سپاس از ناجی و گردانده میز مدور آقای محترم عبیدی از طرح این گفتگو بسیار سازنده، برای معلومات دوستان هدف من یک بازنگری کلی بود که در قدم نخست خودم و همه زنان که برای دفاع از حقوق زنان کار و فعالیت دارند و مبارزه میکند. قناعت داده باشم که ما دگه تنها نیستیم، مه مطمئن هستم که هیچگاه روزهای تلخ و تاریک دوره طالب به هیچ وجه دامنگیر پیشرفت زنان افغان شده نمیتوانند. حال به افتخار گفته میتوانم که اتحاد ما قدرت ما است اگر ما زنان افغان این اتحاد و همبستگی خود را حفظ کنیم هیچ قدرت مانع پیشرفت زنان افغان شده نمیتوانند، به امید افغانستان عاری از هر نوع تبعیض و خشونت و سر بلند که همه اقشار جامعه بتوانند بدون کدام ترس و تردید زنده گی صلح آمیز داشته باشد و به امید امروز که همه شما عزیزان را از نزدیک ببینیم شام تان خوش.

*

میز سوم

گرداننده : حمید عبیدی

- در روشنایی درس های یک سده کار و کوشش برای طرح و تامین حقوق زنان افغانستان، به نظر شما اهداف و وظایف مبرم و حیاتی در زمینه طرح و تامین حقوق زنان افغانستان در مرحله حساس و سرنوشت ساز کنونی کدام ها اند ؟

آزیتا نظمی

خوب سلام براي همه دوستاي خوب ومهربان اين ميز مدور تقديم ميكنم بعدش پاسخ به جواب سوال شما معلومات كه من دارم .درزمان نظام كمونستي درمورد حقوق زنان تا حدود فيصدي بسيار كم توجه صورت ميگرفت .باروي كار امدن حكومت مجاهدين وسياه تر از ان حكومت طالبان كه تما خانم ها خانه نشين شدن واز تمام حقوق محرم شدن .وباروي كار امدن حكومت بعد از طالبان ازسوي نهاد هاي ملي

و بین المللی در مورد حقوق زنان تا حدودی کار صورت گرفته و این باعث شد که فیصدي نه چندان خوب از حقوق زنان افغان برآورده شود. جامعه افغانستان يك جامعه مرد سالاري است و رسیدن به حقوق صد فیصدي براي زنان کار دشواریست- یعنی کاریست بسیار طولانی! راه کار این است که نهاد های ملی و بین المللی که به حمایت از حقوق زنان کار میکنند بالاي حکومت افغانستان فشار وارد کنند تا اولاً حکومت افغانستان بخاطر رعایت و احترام به حقوق زنان قدم جدي بردا رد تا که زنان به حقوق شان برسند

زهرا محمدی سپهر

سلام و خسته نباشید دوستان. فکر کنم هدف مهم و اصلی برای رسیدن به برابری حقوق زن و مرد، ایجاد آگاهی برابر در مورد حقوق زنان به زنان و مردان جامعه است و برنامه هایی که گروه هدف فقط زنان باشند نمیتواند موثر واقع شود. در سالهای اخیر ما از حقوق زنان به زنان زیاد گفتیم اما کمتر توانستیم مردان را آگاه بسازیم و بگوییم پیامد بی احترامی به حقوق زنان تباهی جامعه و خانواده شان است. مهم ترین وظیفه در عصر کنونی کار با کودکان در مکاتب است که با ذهنیت زن ستیز رشد نکنند و در نصاب درسی وزارت معارف باید تغییر آورد

آزیتا نظمی

بلي من هم بانظر شما موافق هستم باید کاري صورت کيريد که در نصاب درسي معارف درمورد زن ستيزي صحبت شود تا بیشتر از این رشد نکند. تشکر

فروزان درویش

پیش از همه از نویسنده توانای ما جناب عبیدی، سپاسگزارم بابت دعوت ایشان درین میز. با عرض سلام و حرمت حضور سبز همه عزیزان دور میز و خوانندگان گران ارج! در خصوص این پرسش، نخست، مهم است که تصویری از زنی افغانستانی ارایه کرد، تا بتوان در سایه آن، اولویت های زنان را مطرح کرد. اما ارایه تصویر مشخص از زنان افغانستانی، کار دشوار است زیرا او تنها خودش نیست که برای خودش تصمیم می گیرد؛ چون او در بند جامعه ای است که هویتش را آن جامعه تعیین می کند. زنی افغانستانی بیشتر شبیه بازیگری است که نقشهایی را که برایش جامعه تعریف شده، اجرا می کند. زن رشنفکر افغانستانی، دچار یک پارادوکس رفتاری شده است. از یکسو دنبال نقش های جدید اجتماعی

است و از سوی دیگر، در بند سنت های دست و پاگیر جامعه مردسالار. این هویتی است که ناخواسته بر ما زنان، تحمیل شده است .

اعاده هویت مستقل زنانه، یکی از اولویت هایست که باید به آن پرداخته شود. زنان افغانستان، خودشان نیستند، آنان، موجودات وابسته به مرد قلمداد میشوند. زن، پیش از اینکه دیگر نقش های اجتماعی را داشته باشد، باید خودش باشد و هویت مستقلی از خودش داشته باشد. اما زنان، پیشتر از اینکه خودشان باشند، به عنوان همسر، مادر، دختر و یا خواهر مردی حساب میشود. تمام هویت زن، هویت وابسته به مرد است. از نام بردن زن در برگه زندگی (رقعه عروسی) و مرگ (رقعه فاتحه)، به شدت خودداری میشود. تاسف بار است که زن، با بی هویتی به دنیا می آید و به همان شکل می میرد و خاکستر میشود .

رسمیت نام مادر در شناسنامه، گذرنامه، اسناد مکتب و دانشگاه و یا هر نوع معاملات حقوقی، یکی دیگر از جفاهایست در حق زن صورت گرفته است. با درک اینکه مادران، بخاطر به دنیا آوردن و پرورش فرزندان شان، بیشترین سهم را دارند؛ اما با تاسف کمترین سهم را به عنوان مادران دارند. در شناسنامه و گذرنامه از پدر، پدر کلان و ... نام گرفته میشود نه از مادر. در اسناد مکتب، از پدر، پدرکلان، کاکا، ماما، برادر، پسر کاکا، پسر ماما و نام برده میشود اما از مادر، نامی برده نمیشود. این خیلی درددهنده است و بزرگترین جفا در حق مادران .

زنان، با اینکه نه ماه بارداری، دوسال شیردهی، سال ها پرورش کودکان را بر عهده دارند؛ اما هیچ گونه دخالتی در برنامه خانواده گی، تعداد فرزندان و ... ندارند. این مرد است که باید تصمیم بگیرد فرزندان بیشماری داشته باشد، بدون در نظر داشت سلامت جسمی و روانی زن .

بحث هایم را در جنبه های شخصی و خانواده گی زنان، اینگونه خلاصه میکنم :

۱- روی ارایه هویت مستقل زنان باید بیشتر کار شود، تا زنان از اسارت هویت های وابسته به مرد، رهایی یابند. نخست خودشان باشند و سپس دیگر نقش های اجتماعی را داشته باشند؛

۲- روی حضور حقوقی مادران در شناسنامه، گذرنامه و دیگر اسناد و معاملات حقوقی فرزندان شان کار های صورت گیرد؛

۳- آگاهی دهی به زنان و مردان خانواده بخاطر به رسمیت شناختن نظر زنان در برنامه های خانواده گی یا family planning.

چشم به راه نظریات دوستان فرهیخته ام هستم...

شهرزاد اکبر

سپاس از دعوت جناب عبیدی صاحب. به نظر من ساحه ای که در چهارده سال گذشته به آن توجه کافی نشده توانمند سازی اقتصادی زنان روستایی و فقیر است. از مسایل ابتدایی تطبیق قانون میراث که میتواند به افزایش ملکیت زنان بیانجامد تا طرح های بزرگتر برای تشویق استخدام زنان در سطح محلی و ملی، کاری به صورت منسجم انجام نگرفته است. غفلت و یا کم کاری در این قسمت باعث شده خیلی ها مسئله توانمند سازی زنان را به عنوان یک مسئله صرفاً شهری و منحصر به زنان تحصیل کرده بدانند. اولویت دیگر به نظر من باید عام سازی گفتمان برابری جنسیتی از طریق نصاب مکاتب (همانگونه که دوستان اشاره کردند)، برنامه ریزی فرهنگی، تشویق مشارکت زنان و مردان روستایی در گفتمان ملی در مورد برابری جنسیتی و برنامه های درازمدت مشابه باشد. برای حفظ دستاوردهای شکننده ما در ساحه حقوق زنان و برای گسترش این دستاوردها، ما نیازمند لشکر عظیمی از زنان و مردان مدافع برابری جنسیتی در هر گوشه افغانستان هستیم.

مریم امواج

تشکر از نویسنده گرامی جناب عبیدی صاحب بابت دعوت درین میز و با سلام و درود خدمت تمام بزرگواران که ما با خواندن نظریات سودمندشان منت گذاشتند.

به نظر بنده زن افغانستان باید در پیشینه تاریخی و وضعیت خاص اجتماعی - فرهنگی جامعه مان مورد مطالعه قرار گرفته و مبنی بران با واقعنگری راه های بیرون رفت ازین وضعیت جسستجو گردد. در گذشته تاریخی نگاه به زن همواره با نوعی پست انگاری همراه بوده است. زن به عنوان جنس دوم و موجودی فروتر به ندرت از حقوق و مزایای برابر با مرد برخوردار بوده است. وی نه تنها از لحاظ قدرت بدنی در درجات پایین تری قرار دارد بلکه از قوای ادراک ضعیف تری نیز برخوردار است.

وضعیت زنان در دوره طالبان بخوبی ظرفیت جامعه افغانی را برای به نمایش گذاشتن یک جامعه تک جنسیتی نشان می دهد.

سوالات زیادی وجود دارد که دران باید به وضعیت زنان در جامعه افغانی پرداخت که از حوصله این میز بیرون است. فقط با اضافه موارد که دوستان مان در بالا اشاره نموده اند می خواهم مواردی را نیز اضافه نمایم:

در قدم اول توجه به آموزش و پرورش دختران می تواند یک گام نهادن در راستای نجات این قشر از وضعیت فعلی باشد. آموزش و پرورش به عنوان یک فکتور عمده در آگاهی و ایجاد بینش و درک حقایق این زمینه را برای زنان مساعد می سازد تا درکی بهتری از وضعیت حقوق بشری خود داشته باشد در ضمن تحصیلات زنان زمینه بر خورداری از استقلال اقتصادی در زنان را با عث شده که خود می تواند خیلی از معادلات را در درون خانواده تغییر دهد و زن را اعتماد به نفس ببخشد.

دوم بدون ایجاد بستر های لازم اجتماعی برای برابری زنان نمی توانیم کار نماییم و تغییرات بزرگی را ایجاد نماییم. برای ایجاد تغییرات نخست باید بستر های لازم اجتماعی ایجاد گردد این امر کار دوامدار را لازم دارد با صبر و بردباری و امید و عشق باید این راه را پیمود زیرا ایجاد تغییرات اجتماعی کار یک شبه نیست.

مریم خموش

با درود فراوان خدمت عزیزانم که در این میز حضور دارند از اینکه دیر تر رسیدم معذرت می خواهم اما خوشحالم که در جمع همه عزیزان قرار دارم و با ابراز تشکر می خواهم نظر خود را خدمت تان ارایه کنم، در طول چند سال که جهت محو خشونت علیه زنان کار صورت گرفت اصلا رضایت بخش نبوده و نیست و برعکس خشونت ها افزایش یافت چون از نام زن استفاده های سو شد نیا نام زن بیشتر پروژه ای برخورد کردند که مردان در برابر نم زن حساس تر شدند و مردان را در برابر نام زن عقده مند ساختند، در قدم نخست برای جلوگیری از خشونت ها باید برای مردان آگاهی داده شود چون عامل اصلی خشونت ها مردان خانواده اند.

نهادهای مدافع حقوق زنان و مشوره های مستمر برای دادخواهی زنان ایجاد گردد.

ایجاد فابریکه های تولیدی که زنان بتوانند کار کنند چون کار کردن زنان بویژه برای کمک معیشت خانواده جایگاه زنان را برجسته تر می نماید.

تشویق خانواده ها از هر راه ممکن برای فرستادن دختران و زنان به مکاتب و نهادهای تحصیلی.

تامین ارتباط محکم با رسانه ها برای پوشش کارهای زنان چون اعتماد به نفس شان را بالا می برد.

تحقیقات در زمینه افزایش خشونت ها و پیدا کردن عوامل اصلی خشونت در برابر زنان.

چیزیکه خیلی مهم است و تاحالا صورت نگرفته نقش خود زنان در کاهش خشونت چیست یعنی زن یک طرف قضیه است و بدون شک خودش هم گاهی می تواند سبب خشونت بر علیه خود و ممنوع خود شود بنا عوامل چیست. وقتی توانستیم تا حدودی مردان را آگاه سازیم جلو خشونت ها گرفته می شود وقتی خشونت ها کاهش پیدا کرد زنان خودبخود به حقوق خود دست میابند.

شیما غفوری

همسخنان عزیز!

در این میز مدور به حیث نماینده انجمن مدد رسانی افغانی که از 21 سال به این طرف در داخل و خارج از کشور برای آموزش و خودکفایی زنان و دختران افغانستان مصروف خدمت میباشد، دعوت گردیده ام. می خواهم نظریاتم را در پنج بخش خدمت شما عزیزان تقدیم نمایم، هر چند شاید بعضی نکات تکراری باشد، ولی تکراری بودن نظریات بین نهاد ها و افراد نوید بخش مشترکات بین آنها میباشد.

اول: محافظت از دست آورد های کنونی و مخالفت با معامله گری سیاسی به قیمت سرنوشت زنان کشور.

دوم: همبستگی بین مدافعان حقوق زن اعم از زنان و مردان از لایه های مختلف و در داخل و خارج از کشور.

بهترین مظهر این همبستگی تجلیل همه ساله از روز قتل فرخنده (19 مارچ) به حیث «روز همبستگی ملی زنان افغانستان» خواهد بود. که در این مورد نظر شما را خواستارم.

سوم: مهمترین سؤالی که ما زنان در مرحله کنونی با آن مواجه هستیم عبارت از تعیین اساس اندیشوی جنبش آینده زنان میباشد.

در این مورد حداقل سه نظر مطرح میگردد:

- 1- بر اساس ارشادات دین اسلام
 - 2- استوار بر اساسات غیر مذهبی
 - 3- تلفیق ارشادات دین اسلام، فرهنگ جامعه افغانی و قوانین مدنی بشری
- انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار روش سوم یعنی استفاده از قوانین اسلامی، فرهنگ مثبت جامعه افغانی و اعلامیه حقوق بشر در مسایل اجتماعی منجمله موضوع زنان میباشد.

چهارم: استقلالیت جنبش زنان: بدون شک جد و جهد به خاطر تحکیم عدالت اجتماعی و جنسیتی، تثبیت شخصیت زن به حیث یک انسان متساوی الحقوق و تلاش برای محو خشونت علیه زنان اشکال گوناگون را در جامعه دارد، از تلاش های ادارات و سازمانهای دولتی گرفته تا سازمان زنان در احزاب سیاسی و سازمانها و نهاد های مستقل زنان .

انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار جنبش مستقل زنان بدون وابستگی آن به دستگاه دولتی و ایدلوژی حزبی میباشد. البته این استقلالیت نباید مانع همکاری مشترک جنبش مستقل زنان با ادارات دولتی و سازمانهای حزبی در زمینه مبارزه به خاطر احقاق حقوق زنان گردد .

پنجم: هماهنگ سازی و آشتی دادن دو فرهنگ تقریباً متضاد در جامعه یعنی زندگی سنتی و آشفته از جنگ های دوامدار از یک طرف و زندگی شهری که در اثر فرآورده های مدرن مثل معارف، رسانه ها و تکنالوژی اطلاعاتی و غیره پیشرفت نموده است.

در این راستا انجمن به این نظر است که:

۱. داخل کردن مضمونی در نصاب تعلیمی مکاتب بنام «مقام و نقش زن در حیات خانواده و جامعه». تا شاگردان مکاتب از همان دوره ابتدائی همزمان در شهر ها و دهات افغانستان آداب حرمت گزاری به زن را بیاموزند.

۲. لازم است تا زنان را در محل های زیست شان جستجو نموده و ظرفیت های شانرا در همانجا انکشاف داد. زنان شهری، دهاتی با سواد و بیسواد همه قابلیت های را دارا می باشند که هر یک قابل احترام بوده و ضرورت به تقویه و توسعه دارد .

با این مختصر خواستم تا نظریات انجمن مدد رسانی افغانی را به شما انتقال داده و منتظر نظرات انتقادی و یا تأییدی شما میباشم .

با حرمت و ارادت

هاجره حرکت

د هیت مدیره ټولو غړو ته خپل سلامونه او نیکې نیکې هیلې وړاندې کوم. دا چې ما ونه شول کولای له تاسې سره د نظر په شریکولو کې په سم وخت کې برخه واخلم زما د ډیرې بوختیا له وجې وو. ځکه زه خپله کډه بل کورته وړم او ډیر کله دانترنت ستونځه لرم.

بیننه غواړم چې دومره وروسته ستاسی پوښتنو ته ځواب لیکم. ستاسی لومړی پوښته فکر کوم چې د یو پراخ بنسټه شبکې په اړه وه چې په اوس وخت کی ورته څومره ضرورت دی؟

زما په اند له هر وخت څخه زیات اوس داسی یوی شبکې ته ضرورت دی، چې په پراخه کچه په هېواد کی دننه او په ټوله نړۍ کی د افغانو بڼځو د ژوند زوریدلي حالت ته په پام سره خپل نظریات سره شریک کړی او په دی لار کی د اغیزمنو گامونو پورته کولو ته مټی را ونغاړی. زه فکر کوم له هر وخت څخه زیات اوس افغانان چی هم د پوهې په جامه سمبال دي او هم دومره مالی امکانات لری چې د یوی شبکې د جوړیدلو له پاره د میاشتني حق العضویت ورکولو سره یو پراخ بنسټه ټولنه په پښو ودروی. زه یقین لرم چی دا به داسی یوه شبکه وی چې په افغانستان کی دننه او بهر دیموکرات قوتونه په کی برخه اخلی او ډیر ژر به یوه نړیواله بڼه خپله کړي او ستر خدمتونه به هغه افغانو مظلومو بڼځو ته وکړي چې په اوسنیو شرایطو کی چې لوړ شمیر افغاني بڼځي په پوهنتونونو کی په تحصیلونو بوختی دي خو لا ډیر شمیر بڼځي په کلیو او بانډو کی د ډول ډول ناخوالو سره لاس او گریوان دی مرسته ورسوی. ځکه تر پخوا څخه اوس به افغانستان کی له بڼځو سره ناروا ظلمونه کیږی او هغه زورواکی چې د بوهی له رڼا څخه یې زړونه خالی دی د بیسو او زور په نشه کی دری او څلور ودونه کوی. په اسلام خبر نه دی خو د خپلو شهوانی اعمالو له پاره د اسلام نوم ورکوي.

زرغونه عبیدی

همسخنان عزیز سلام!

خوشحالم که این بار من نیز فرصت دارم تا به نماینده گی از هیات مدیره کانون با شما تبادل نظر نمایم. از نظر من نیز در مرحله کنونی هدف مبرم را میتوان چنین تعریف کرد: حفظ، استحکام، تعمیق و گسترش دستاوردهای موجود در زمینه حقوق زنان (به رسمیت شناختن حق قانونی مشارکت زنان در همه عرصه های زنده گی اجتماعی در همه سطوح).

در عین زمان میخواهم بگویم که میان به رسمیت شناختن فورمال حقوق زنان تا فراهم ساختن امکانات و زمینه های لازم برای استفاده عملی زنان از این حقوق، فاصله وجود دارد. هنوز حتا بخش بزرگی از زنان ساکن در شهرهای بزرگ نیز از استفاده عملی از حقوق به رسمیت شناخته شده در قوانین نافذ کشور محروم اند. این محرومیت در مناطق روستایی به خصوص گسترده تر است.

در استفاده از این حقوق مسأله خودآگاهی زنان نیز یک عامل بسیار مهم است. مثلاً اگر حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را مد نظر بگیریم، اشتراک گسترده زنان در انتخابات یک دستاورد حساب شده میتواند. زنان نزدیک به چهل درصد رای دهنده گان در انتخابات ریاست جمهوری را تشکیل میدادند و اما این پرسش باقی است که زنان تا چه حدی رای خود را آگاهانه و مستقلانه اعمال کردند و تا چه حدی در ادامه تصمیم مردان خانواده رای خودشان را به صندوق ها ریختند. در همین راستا میتوان گفت که حضور زنان در شورای ملی و شوراهای ولایتی یک دستاورد است و اما این پرسش برجا است که وکلای زن در شورای ملی و شوراهای ولایتی تا چه حد از حقوق قانونی خود برای دفاع و تامین حقوق زنان استفاده میکنند و یا استفاده کرده میتوانند.

همچنان وجود صدها نهاد زنان و شمار کثیری از نهادهای دیگر که خود را متعهد به دفاع از حقوق زنان میدانند، یک دستاورد حساب شده میتواند. و اما پرسش هایی که در مورد چه گونه گی کار و فعالیت این نهاد ها و چه گونه گی تفاهم و هماهنگی میان آنان مطرح اند نیز قابل توجه اند.

در مورد نقش نهادها و فعالان زن و مدافعان حقوق زنان، میخواهم توجه شما را به برخی نکات جلب نمایم. این درست است که ما باید از دولت بخواهیم تا برنامه های همه جانبه و موثر را برای بهبود زنده گی زنان، تامین حقوق زنان و اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض جنسیتی طرح و تحقق ببخشد. و اما ما نباید نقش خود را تنها در حد عریضه نویسی و معترض و منتقد تقلیل دهیم. کارهای بسیاری است که ما خود باید توانایی انجام آن ها را کسب کنیم. مثلاً کار روشنگری در سطوح مختلف جامعه هم میان زنان و هم میان مردان. از طریق روشنگری است که ما میتوانیم در پرورش تفکر و فرهنگ معاصر نقش موثر ایفا کنیم. با ارتقای سطح فکری و فرهنگی جامعه، بدون شک هم یک فهم دینی معاصر و هم یک دید و درک معاصر از جایگاه و نقش دین در جامعه نیز امکان پذیر خواهد شد.

در مورد سکولاریزم و دین نیز نکاتی مطرح شده اند. در این مورد تجارب کشور های دیگر میتواند جالب باشد. در میان کشورهای اسلامی تجربه تونس برای ما شاید موثر تر باشد – تجربه یی که امکان همکاری اسلامگرایان معتدل و سوكولر ها را نشان میدهد. به باور من فعالان حقوق زنان در خارج میتوانند در معرفی این تجارب نقش موثری داشته باشند. هدف این نیست تا ما تجربه این یا آن کشور اروپایی و یا اسلامی را تقلید کنیم. هدف من این است که با شناخت این تجارب ما میتوانیم نکات تازه را فراگیریم.

کوتاه این که زنان افغان در داخل و خارج کشور دارای ظرفیت های بالفعل و بالقوه بسیار قابل توجه اند و ما باید به مسأله استفاده حد اکثر موثر از این ظرفیت ها توجه نماییم تا بتوانیم به اهداف حیاتی مبرم و حیاتی مرحله کنونی برسیم و به تدریج فراتر از آن گام بگذاریم .

ایجاد چتر فراگیر و یا سقف مشترک برای آشنایی، تبادل نظر، تفاهم و همکاری روی اهداف مشترک و در چهارچوب آن ایجاد پل های ارتباطی فعال و یک تقسیم موثر کار میان نهادها و فعالان مقیم در کشور و مقیم در خارج از کشور یکی از بهترین راه ها برای استفاده موثر از ظرفیت های موجود است.

در پایان میخوایم به نماینده گی از هیات مدیره کانون این پیشنهاد را مطرح کنم تا آن عده از فعالان برجسته جامعه مدنی از میان مردان را که به اندیشه تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارند نیز در این میز مدور دعوت نماییم.

بخش دوم گزارش کار میز مدور

متن توحید شده کار میز مدور روی پرسش دوم

میز اول

پرسش دوم

حمید عبیدی (گرداننده):

بانو حمیرا ثاقب دیروز در ستاتوس خود این پرسش را مطرح کردند : « آیا جنبش زنان در افغانستان شکل گرفته است؟ »

بانو سهیلا حسرت- نظمیی پاسخ خود به پرسش نخست در میز مدو را با طرح ضرورت ایجاد «چتر بزرگ» به پایان رسانیدند.

حال اجازه بدهید با توجه به دو نکته بالا ، پرسش دوم را چنین مطرح کنم :

آیا به نظر شما ایجاد یک شبکه و یا چتر رنگین، باز و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تفاهم ، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گستردهء نهادها و فعالان هوادار و مدافع حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ضروری، ممکن و مفید است ؟

چشم به راه پاسخ همسخنان گرامی خواهیم بود.

ناهید علومی

با سلام خدمت دوستان میز مدور،

به باور من ، ایجاد یک " چتر رنگین و یا گسترده " در این شرایط ضروری و حتمی پنداشته میشود.

زیرا ، زمانیکه یک مرجع برای انعکاس خواسته های بر حق ما وجود نداشته باشد و ما نه توانیم که صدای بر حق خویشرا از یک گلو به جهانیان برسانیم، چگونه میتوانیم که صدای رسا داشته باشیم ، طوریکه شما میدانید ، صدای انفرادی نمی تواند مثر واقع گردد، البته قابل تذکار میدانم ، که ما و شما قوت و جرأت آنرا داشت باشیم که در قدم نخست نظریات سازنده همدیگر خود را تایید و انکشاف دهیم، با این حرکت میتوانیم جلب اعتماد نمایم

پیشنهاد مشخص من به خانم حمیرا ثاقب و خانم سهیلا حسرت اینست : که

آنها پیشنهادات ، راهکار ها و میکانیزم ایجاد این چتر گسترده را پیشکش نمایند، تا بر مبنای آن همه دوستان آنرا انکشاف داده ، تا باشد که به یک نتیجه مثبت و دلخواه برسیم

مریم درانی

باعرض سلام به تمامی دوستان میزمدور،

من فکر می کنم وقتی در مورد جنبش زنان صحبت میکنیم ابتدا باید به چند مقطع زمانی این جنبش را تقسیم کنیم و جداگانه انها را بررسی نماییم اما در زمان حال من تصور نمی کنم به فعالیتهای زنان در چند ولایت محدود بتوان گفت جنبش زنان در افغانستان شکل گرفته بلکه باید همان چند ولایت محدود را یادآور شویم و به يك يا دو خانم بطور نمونه در بعضی از ولایات بخصوص ولایاتی که هنوز چالشهای فرهنگی اجتماعی امنیتی و غیره سد راه فاعلیتهای زنان می باشد یا به يك تعداد زنان که بطور سمبولیک در این مناطق فعالیت میکنند اکتفا کرد. من باور دارم شکل گرفتن این جنبش آغاز شده اما زمان و فعالیت لازم است تا افغانستان شمول شود و به پختگی برسد! و این در سایه همکاری و هم پذیری نهادهای مدنی ممکن می باشد.

سهیلا حسرت نظیمی

با تقدیم سلام دوباره، حضور بانوان عزیز را در میز مدور گرامی میدارم.

با ناهید جان علومی همنظرم که ایجاد "چتر گسترده" ضروری پنداشته میشود. با آنکه مراجع فراوان برای انعکاس خواسته ها وجود دارند اما کار هماهنگ و منسجم ما زنان را به رسیدن به اهداف و خواسته های ما بیشتر کمک میکند. درین باب از گرامیانم داکتر صاحب عالمه جان ، خانم خالده خرسند، خانم رهین ، خانم مریم درانی ، خانم صبرینه حمیدی و خانم فوزیه اورال حبیبی تقاضا دارم تا در زمینه نظریات شان را ابراز دارند من دیدگاهم را در روشنی از دیدگاه های شان بعداً خواهم نوشت.

ماریا رهین

ممنون از اینکه می خوانید :

جنبش ها در بدنه يك ملت با خود باوري ، آگاهی و شناخت شکل می گیرند . پیش شرط های این جنبش فکر نمودن به مدنیت متعالی است - یعنی انسانیت را پاس داشتن . در طی چندین دهه بگو مگو پیرامون

زنان و زمینه های آن ، که همواره آماج اندیشه های ستیز مندانه بوده است ، این جنبش وجود داشت ، در سر من با برکه های انقلاب برانگیز ، در نزد تو با شعور آزادی گرایی و نزد یکی دیگری با ابهام و تاریکی ، ولی آنچه مهم است ، اینست که نفس جنبش و جوهره اصلی به نوعی رو نمایی میکرده است ، اما پرداخت ما به آن متفاوت بوده است ، بنا من با خانم درانی در اینکه زنان افغانی جنبشی نداشته اند ، مخالفم ؛ زیرا در این صورت ما خون رابعه ، سنت شکنی ملکه ثریا و مبارزات زنانی مانند آناهیتا راتب زاد ، صالحه فاروق اعتمادی ، معصومه عصمتی وردک ، میرمن پروین و دههای دیگر را نادیده می انگاریم ، و خود را از تاریخ خویش جدا میسازیم.

مریم درانی

خانم ماریا جان رهین عزیز ، فکر می کنم شما دچار سوء تفاهم شدید من نگفتم جنبش وجود نداشته است. حتی من این را ذکر کردم که جنبش زنان را باید در مقطعی زمانی مختلف بررسی کرد؛ ولی در زمان حال شکل گرفتن جنبش دوباره آغاز شده اما به پختگی نرسیده است.

فوزیه ارال حبیبی

سلام گرم از کابل زیبا !

جنبش های اجتماعی در دوره های مختلف بخاطر بدست آوردن حقوق بمیان میاید .

در افغانستان ، ما شاهد جنبش ها اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی زنان بودیم . فعلا هم سازمان ها ، کمیته ها ، اتحادیه های مشارکت ، انجمن ها... تاسیس گردیده و به دفاع از حقوق زن میپردازند . فراخوانی مشترک برای ایجاد یک «چتر گسترده» دفاع فعالانه از حقوق زنان کشور ستودنی است !

جنبش زنان و مبارزات حق طلبی در کشور ما از چهار دیواری خانه پدری آغاز و تا مکتب و مدرسه ، دانشگاه ، ادارات ، «خانه بخت» و بالاخره کوچه و بازار با هزاران دشواری ها ادامه داشته و دارد.

تاریخ جنبش زنان کشور را که به بررسی بگیریم و وضعیت جنبش زنان و نوع برقراری روابط بین زنان پردازیم ، دریابیم که نقش زن در این مبارزه در مراکز ولایات پر رنگ بوده و از سرحدات شهرها کمتر عبور کرده .

با استفاده از تجربیات برای تشکیل این چتر رنگین و گسترده فرهنگی ، سیاسی و اجتماعی راه طولانی را باید پیمود. برای رسیدن به این خواسته خواستارم همکار و همگام باشیم .

قمر یلدا کرزی

جنبش زنان افغانستان از سالهای متمادی وجود داشته و به اشکال مختلف تبارز نموده است . با رونق گرفتن مفکوره آزادی فردی و اجتماعی زن ، تقریباً قبل از یکصد سال این جنبش و حرکت گاهی بشکل مسالمت آمیز و آرام دیموکراتانه باری بگونه چپ انقلابی، زمانی خاموش و سرد با هرأس و رعب بشکل مبارزه زیرزمینی مخفی برای ابتدایی ترین حقوق انسانی و حالا هم به شیوه گسترده برمبنای قوانین مدنی ادامه دارد .

درین راه پر خم و پیچ و توأم با خطر رنجها ، درد ها ، توانایی ها ، ضعف ها و خطا ها و کارهای صواب ، دست آوردها ، شکست ها به اندازه متفاوت بمیان آمده است .

در نتیجه جنگها ، شرارت ها و ناامینیتی ها متداوم موقف و جایگاه زن در جامعه سیرقهقرایی را پیموده است .

در عین حال در گیر و دار حوادث ، مهاجرت ها و برخورد با پدیده های نو انکشاف و شگوفایی تکنولوژی دیجیتال و غیره باعث تغییر مثبت و دگرگونی کلی در شیوه تفکر و عمل مدافعین زن در افغانستان گردیده است

امکانات سایت های انترنتی ، ایمیل و شبکه های اجتماعی مثل فیسبوک ، سکایب و تیلیفون ، زنها را باهم نزدیک ساخته و امکانات تبادل نظر و مفاهمه را بوجود آورده است .

در این چنین شرایط تشریک مساعی ، بالا بردن سطح دانش و آگاهی زنان اهمیت بنیادی را پیدا نموده است .

به یقین برای رسانیدن زنان به یک زندگی خوب بدون شکنجه و استبداد و مهابت در اجتماع راه و روش و طرق های متنوع وجود دارد که از آن جمله همناوا شدن و اتحاد زنان بصورت دسته جمعی است. درینصورت این قشر متحد میتواند از تخریب و تهدید مخالفین جلوگیری نمایند و نیروهای طرفدار حقوق زن با ایجاد یک چتر بزرگ حمایت و حفاظت از حقوق زنان مجزا از هر اندیشه و طرز تفکر دنیای سیاسی شان ، فقط بخاطر حقوق شان بصورت دسته جمعی با یک قوت نستوه و خستگی ناپذیر برای بدست آوردن اهداف پاک و منزه شان که ضرورت مبرم است توفیق حاصل کنند.

ناهید علومی

مروری کوتاه بر تاریخچه جنبش زنان در افغانستان:

جنبش زنان به شیوه مدرن آن با نهضت امانی، با نقش ارزنده شاه امان الله، محمود طرزی، ملکه ثریا و رسمیه مادرش آغاز یافت. در دور امانی بود که برای بار اول توجه به حق زن شد. زن وارد مکتب گردید، دارای نشریه پی شد و ثریا طرزی، و دو خواهرش، پرچم نبرد برای حقوق زن را بر افراشتند. اما، جامعه محافظه کار ، همراه با شتابزده گی که در این راه صورت گرفت، این جنبش را متوقف ساخت.

سپس این داوود خان بود که زمینه از میان بردن چادری را برای زنان فراهم نمود و آرام آرام زن وارد عرصه جدیدی شد.

اما به باور آگاهان:

دهه دموکراسی را می توان دوران شگوفایی جنبش زن نشانی نمود. در این دهه، ساختار های گوناگون جنبش زنان شکل گرفتند. در این امر نقش سازمان دموکراتیک زنان را در بیدار سازی ذهن ها نمی توان نادیده گرفت.

از آن پس با به قدرت رسیدن مجاهدین و سپس طالبان، دیگر زن به پسخانه جامعه رانده شد.

پس از سقوط طالبان به وسیله نیرو های جهانی و باز شدن فضای سیاسی، حضور پُررنگ زنان را می توان در همه عرصه های اجتماعی - با وجود برخی سد راه ها و مانع های که بیش تر سنتی و دینی اند - مشاهده کرد. حضور پُررنگ زنان در هر انتخابات، به ویژه انتخابات اخیر، نمایانگر این راستی و حقیقت است که زن، اکنون با تمام قد وارد عرصه اجتماعی شده است.

آگاهان معتقد اند: راه رهایی برای زن، نخست از همه در خط نبرد خودش می گذرد.

برای نهادینه شدن این حق، باید تمام تلاش را به خرچ داد تا نظام سیاسی مردمسالاری که اکنون تاحدودی شکل گرفته است، با قوام تفکر و فرهنگ مردمسالاری و استقرار حاکمیت قانون ، استحکام و قوام یابد.

تحقق عدالت مطلق برای انسان (زن و مرد) ، دشوار است اما عدالت نسبی در نتیجه جنبش زنان اگر تحقق یابد کمال مطلوب خواهد بود.

این مرور را بخاطر وارد شدن به قضیه جنبش زنان نگاشتم.

ماریا رهین

نکاهی بر نهضت زنان دوره اُماني

نهضت هاي پيش آمده زنان در افغانستان ، گاه انچنان از درونگرد زمينه ها برون مانده است ، که با دریغ سهم اش در این تباني هاي زمان يا اندک و يا هم ،نا خود آگاه با راهکار سلیقه هاي زماني ، پیشکش شده است .

امان الله خان با انگیزه انباشتي از رونمائي هاي مدر نيته غرب بلافاصله ، ارزش ها را به درو گرفت ، و انگار مي پنداشت با کوبیدن مهر بر این رو ساخت ها مي تواند ، فقر اقتصاد و فقر فرهنگ و فقر بي معرفتي را با معجزه از میان بر دارد .

نگاه وي بر کشیدن بار معنایی زنان نیز در همان دوره و با همان حیطه باوري همین بود .

در جامعه که جمعیت های شهر نشین و رؤستایی اش زن را با (هیچ) برابر می دانست ، تحقیر جبران نا پذیر را نسبت به خود تشخیص می داد ، و می دید : خانی، و خانه و خوان اش در خطر است، پس به خود حق می داد تا برغم همه این بحث ها قیام کند ، انهم در زمانی که همه چشم ها و شعور ها ، بر ریختن ترفند بزرگ برای افغانستان می اندیشید ند ، برای کسانی که خود را با يك حرکت عشیره اغفال نموده بودند .

جنبش آمانی که در أصالتهای وجودی اش میتوان انگیزه های آرمانی رشادت را دید ، برای کشیدن برنامه به زنان نیز خیلی عاطفی و آرمانی نقش آفرینی کرد .

این نقش در بي جهتي مدیریت نشده يك دید نا شناسا ماند و بعلاوه چون تیغ براني برای فصل زن با آینده او در افغانستان شد .

چه ناشناسایی مردم از گسترش آرمانی زمینه ها ، قضاوت های پیش فرضانه را تشدید کرد ، و برای دشمنان ما فرصت کافی داد تا توطئه بچینند ، و مردم را تحریک کنند .

يك مثال واضح : حکومت انگلیس عکس ملکه ثریا را با سیتم فوتو شاب تزئین کرد و با اندام نیمه برهنه رزیلانه در حوزه های دینی تکثیر کرد ، ملا را که همه اعتقاد مردم را در کف دست خود داشت، برای اینکار مأمور ساخت ، حتي ملاي لنگ را که انگلیس بود با عبأ و قبایي مسلمانان به متن جامعه فرستاد .

و يك فکر إنسانی و مردم خواهانه مرد منحصر بفرد و آزادي خواه افغانستان به این سادگی تاراج شد، و مورد شماتت زمان غدار قرار گرفت .

آمان الله خان ، با طرح این رویکرد ، هر جند نتوانست زمينه جدید بنیان گزارد ، اما مرد انه قربانی داده و رسالت خود را متعهد انه در برابر ما انجام داد.

خانم یلدا قمر کرزی

امان الله خان بعد از تصفیة حساب با دولت انگلیس مشغول اصلاحات داخلی گردید. مردم افغانستان که خواهان نهضت و ترقی بودند جداً به همکاری و پشتیبانی دولت برخاسته از تمام ریفورمهای جدید عملاً استقبال کردند و به خصوص به معارف بذل مساعی نمودند .

زنان کشور در مدارس داخلی ، نشر جریده (ارشاد النسوان) تأسیس انجمن (حمایت نسوان) و غیره داخل فعالیت شدند ، رویهمرفته مردم در تمام این ریفورمهای نا آشنا بدون اندک تعصب و کهنه پرستی از دولت جوان حمایت و پشتیبانی نمودند ، این است که شاه توانست ریفورمهای خود را در مرحله اول از ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۴ مؤفقانه و دلیرانه علی الرغم «دسایس خارج» و ضدیت قوت های ارتجایی تطبیق کند.

اما مرحله دوم ریفورم که از ۱۹۲۷ تشدید شده ، با منافع عمده ای که داشت درجنین خود معدوم گردید ، زیرا هیچ فردی یا حکومتی نمیتواند خدمت مترقی بکشوری نماید مگر آنکه از حمایت و پشتیبانی توده های وسیع مردم برخوردار باشد در غیر این حمایت و پشتیبانی ، ناکامی هر طرح جدید و فعالیت هر فرد مقتدر ولو نابغه باشد امر حتمی است .

مردم افغانستان مثل هر جامعه ی بشری طبیعتاً خواهان پیشرفت زندگی است . تاریخ افغانستان نشان نمیدهد که مردم افغانستان بر ضد تمدن و فرهنگ در هیچ دوره یی قیام کرده باشد ، البته قیام مردم کشور همیشه بر ضد ظلم و خیانت بوده است .

همین مردم در عهد امانی با فقری که داشتند سرک ساختند ، مکتب آباد کردند ، برای معارف اعانه دادند. در کابل روزی که ملکه ثریا در یک اجتماع از پیشرفت زنان جهان و عقب ماندگی افغانستان سخن زد، (جدی ۱۲۹۹ شمسی) زنان به درد گریستند و پنجاه نفر خود شان را در خدمت معارف و تأسیس

اولین مدرسه زنانه گذاشتند . پس علت اغتشاش افغانستان دستهای خارجی ، ملاهای انگلیس پرست ، بی کفایتی مامورین دولت بود که هر امر حیاتی و مقدسی را با رشوت خواری و خیانت ملوث میکردند و هر ریفورمی را به شکل منفور و عذاب در نزد ملت تمثیل مینمودند .

شاه امان الله خان برای سعادت ، عصری ساختن و ترقی ملت اش سخت علاقمند داشت اما متأسفانه سؤاستفاده گران و چاکران بیگانه مملکت را به صد سال به قهقرا کشاند و تا هنوز زخمها مداوا

نشده هرگاه زوزنه ی امید پیدا میشود با خصوصیت ها و روش های ددمنشی خنثی میشود امید نسل سازنده ، نوین و جوان افغانستان با درک حساسیت ها پی برده و در روشننگری و ترقی زنان و اطفال وطن کوشا باشند.

دکتور عالمه

در نخست می خواهم موافقت خویش را با نظریات دوستان ابراز کنم. هر یک شان به نوبه خویش بخشی از ضرورت شکل گیری جنبش یا چترگسترده را بیان کرده اند.

می خواهم بگویم اینکه ضرورت جنبش زنان در افغانستان یا به گفته دوستان ,,چترگسترده“ ضرور و مهم است. جای این جنبش در شرایط فعلی واقعا خالی است.

اگر دوستان روی عوامل عدم شکل گیری آن اندکی مکث نمایند و واکاوی کنند بهتر خواهد بود.

به نظر من یکی از عوامل عدم شکل گیری این جنبش در یک ونیم دهه اخیر با وجود امکانات ، سرازیر شدن پول های هنگفت در کشور برای انجو ها و عدم بکار برد آن در ساختار های اساسی و زیربنایی برای دسترسی زنان به امکانات و فرصت ها می باشد.

دوستان عزیز در این جا لینک یکی از مصاحبه های خود را که در سال ۲۰۰۹ انجام داده بودم می گذارم. مصاحبه مستقیم توسط ثبت نوار صورت گرفته و از کمی و کاستی های آن معذورم دارید.

<http://www.afghanasamai.com/NAB/index.htm> ناب - نیروگاه اندیشه پی برابری و مبارزه

با تبعیض جنسیتی

خالده خرسند

سلام و سلامتی باد بر شما !

دغدغه داشتن یک جنبش زنان، همواره با زنان فعال و انسان های که به حقوق زنان اعتقاد و باور دارند وجود داشته است.

اگر از حاشیه های این بحث بگذریم و اینکه یک تعداد مسایل توسط دوستان نیز اشاره شده، می خواهیم بگویم که باید برای تشکیل یک جنبش زنان در قدم نخست واقع بین باشیم. به این معنا که هر جنبش آزادی خواهانه بازتاب شرایط سیاسی و اجتماعی خاص خودش است. برای آغاز یک جریان و تشکل سیاسی، اجتماعی و جنسیتی باید نگاه دقیق به شرایط و مناسبات سیاسی و اجتماعی داشته باشیم.

جنبش زنان برآمده از تجربه مشترک زنان در گروه های ارتقای آگاهی است که باید بعد از بررسی نظری و تخصصی مناسبات اجتماعی مردسالارانه، سنتی و مذهبی اعلام حضور نماید. نباید فراموش نمایم که هر زن به صرف زن بودن خود نمی تواند به عنوان یک زن آگاه و فعال نسخه آزادی و برابری را بیچد! این اواخر دیده می شود که زنان که حتا الفبای فمینیسم و یا سواد و تجربه لازم برای نظریه پردازی در مورد حقوق زنان ندارند، صرفن به خاطر گرفتن پروژه های اقتصادی خودشان را به عنوان مدافع حقوق زنان جا زده اند که این تعداد ظربه سهمگین را در عدم شکل گیری یک تشکل صادقانه، آگاهانه و مصمم در راستای حقوق زنان، وارد کرده اند. جنبش های پیشرو زنان در جهان تاثیر گذاری بر آگاهی را از نیروهای اصلی سرکوب نیروهای زن ستیز می دانند. یعنی فقط زنی که آگاه است می تواند برفهم جامعه تاثیر گذار باشد. دوباره تاکید می کنم که ما زنان در قدم نخست باید نیروهای اصلی تغییر و ظرفیت های دانا و توانای زنان را شناسایی و برای تشکیل یک چتر رنگین برگزینیم. حرکت های زنان در افغانستان باید توانایی و سواد لازم را در ترسیم خواسته و اهداف خویش داشته باشد.

بدون شک داشتن یک جنبش زنان اهداف مشخص را باید دنبال کند و این واقعیت را درک کند که زنان به لحاظ حقوقی، اقتصادی و فرهنگی تحت ستم اند و تغییرات در قانون، خط مش و نگرش های اجتماعی برای ایجاد توازن در وضعیت نابرابر زنان ضروری است.

هر جنبش زنانه اهداف اساسی را دنبال می کند. برابری، آزادی، مشارکت سیاسی، فرصت های برابر شغلی، زمینه های مساویانه ای آموزشی، استقلال مالی و اجتماعی و... ده های خواسته و نیاز که یک زنده گی آرام و فارغ از خشونت و بی عدالتی را برای زنان رقم می زند.

در طی یک دهه گذشته تغییرات مثبتی در زنده گی زنان به وجود آمده که من این جا نمی نویسم چون تکرار مکررات است. اما برای داشتن یک جنبش باید این تغییرات سرتاسری باشد. زنان باید در تمام نقاط

کشور نیاز به داشتن یک جنبش زنان را احساس و تایید نمایند که متأسفانه چنین نیست و حرکت های خورد و بزرگ زنان در سطح چند کلان شهر افغانستان هم با آسیب های چون پروژه زده گی ، سواد ناقص در فهم و ایجاد یک جنبش زنان و عدم صداقت روبرو بوده است . برای داشتن یک جنبش زنان چند پیشنهاد مشخص دارم :

- 1- چهره های با سواد و زنان صادق برای هسته مرکزی انتخاب و شناسایی شود.
 - 2- زنان مدیر در راس جنبش به بسیج جریان های خورد و بزرگ که به صورت جداگانه کار می کنند، بپردازند.
 - 3- خواسته ها و اهداف زنان به صورت واقع بینانه لیست شود .
 - 4- تاریخ حضور زنان در تاریخ معاصر کشور باز خوانی و جمع آوری گردد؛ چرا که روایت گذشته ما را کمک می کند تا اشتباهات گذشته را انجام ندهیم و از دستاورد هایشان استفاده نمایم .
- این ها در قدم نخست می تواند گام های اولیه برای هسته گذاری یک جنبش کوچک ولی دقیق و کارا باشد تا بتواند چهره های موثر را کنار هم نگه دارد . تصور من این است که بحث ما در این میز مدور یک نتیجه اگر داشته باشد این است که هسته یک جنبش زنان گذاشته شود .
- به امید این نتیجه خوب !

حمیرا ثاقب

تا زمانی که زنان اهداف مشترک خویش را نیابند و تعریف نکنند، فعالیت ها منسجم نخواهند شد. مثال میزنم تعدادی از زنان فعال طرفدار رفتن تعدادی از ماده های قانون منع خشونت به کود جزا هستند. که خطر آن:

تجزیه قانون منع خشونت

گذر زمان اینکه جقدر زمان طول خواهد کشید تا این ماده ها داخل کود جزا شوند؟

تعدیل آوردن در تعدادی ماده هایی که داخل کود جزا میروند.

عملا غیر استفاده شدن ماده های وقایوی در این قانون.

اما تعدادی که دفاع میکنند دلایل خویش را دارند: این که بیشتر جنبه تطبیقی پیدا میکند و قانون نیاز به تصویب شدن ندارد.

ضرورت داریم که با هم بحث کنیم و به نتیجه درست برسیم . یعنی که اهداف مشترک را بیابیم و نذاریم که با این اهداف بازی بکنند و ما غیر مستقیم مهره بازی دیگران نشویم.

سهیلا حسرت نظیمی

در همنوایی با بانو ثاقب و بانو خرسند اضافه می دارم اگر هر کار و کوشش و مبارزه جمعی برای تحقق اهداف مشترک و تامین منافع مشترک را جنبش اجتماعی تعریف کنیم و قبول کنیم که صرف نظر از شمار اعضا و میزان تاثیر گذاری چنین حرکت های جمعی را میتوان جنبش نامید ، در آن صورت میشود گفت جنبش زنان در طول سده گذشته همیشه چه در شکل علنی ، نیمه علنی و یا مخفی آن وجود داشته است .

و اما اگر جنبش زنان را کار و کوشش و مبارزه جمعی زنان برای تحقق تحول اجتماعی تامین کننده حقوق زنان تعریف کنیم، در این صورت باید گفت که در حال حاضر اگر تمام ظرفیت های بالفعل به صورت منسجم به کار انداخته شوند و نیز ظرفیت های بالقوه به ظرفیت های بالفعل مبدل گردند، در آن صورت جنبش زنان به یک نیروی موثر تحول اجتماعی مبدل خواهد شد .

در حال حاضر اگر توجه کنیم زنان از طریق صدها نهاد فورمال و غیر فورمال و نیز اشکال دیگر فعالیت های جمعی برای تامین حقوق خود کوشش میکنند . و اما این کوشش ها در یک مجمع الجزایر پراکنده در جریان است . اگر همه این نهادها و یا کم از کم بخش بزرگتری از آن ها با به رسمیت شناختن و حفظ تنوع و استقلال خود بتوانند در جهت تامین اهداف مشترک به تفاهم ، همبسته گی و همکاری دست

بیابند، در آن صورت جنبش زنان به چنان نیرویی مبدل خواهد شد که در سمت دهی و تسریع تحولات اجتماعی نقش موثری ایفا کند.

تجربه ما در کانون هماهنگی زنان نشان میدهد که دستیابی به چنین تفاهم، همبسته گی و همکاری پایدار ممکن است. فراخوان مشترک برای تصویب قانون منع خشونت علیه زنان که توسط بیش از پنجاه نهاد و نیز ۱۳۰۰ از فعالان و مدافعان حقوق زنان نمونه روشن کارا بودن چنین تجربه یی را اثبات میکند. با توجه به همین تجربه است که من به نماینده گی از کانون هماهنگی زنان افغانستان مفکوره ایجاد چتر رنگین، باز و دیموکرات را مطرح کردم - چتری که همه نهادها و شخصیت هایی را که خواهان چنین تفاهم، همبسته گی و همکاری اند احتوا بکند.

اگر دوستان با این مفکوره در اصول موافق باشند، در آن صورت میتوان در مورد تدابیر، گام ها و اقداماتی که بتواند به تحقق این مفکوره بینجامد بحث کرد.

*

میز دوم

پرسش دوم

حمید عبیدی (گرداننده)

قبل از طرح پرسش دوم اجازه دهید برخی آمار و ارقام را به توجه برسانم:

شمار بانوان درس خوانده و تحصیل کرده و شمار بانوانی که امروز در مکاتب و موسسات تحصیلات عالی و مسلکی مصروف آموزش و تحصیل اند، به مراتب نسبت به هر گذشته یی بیشتر است. بر طبق آمار ارایه شده از سوی وزارت معارف از یازده میلیون و 500 هزار شاگرد 42 درصد یعنی بیش از ۴،۵ میلیون تن آن را دختران تشکیل میدهند.

در کشور اکنون ۱۳۵ نهاد تحصیلی دولتی و خصوصی وجود دارد. بر طبق آمار ارایه شده از سوی وزارت تحصیلات عالی در سال ۱۳۹۳ جمعاً ۵۳۲۸۱ تن از بانوان در نهاد تحصیلی دولتی و خصوصی

مصرف تحصیل بودند. در همین سال ۴۹۳۹ تن از بانوان از این نهادها فارغ التحصیل شدند. در همین سال ۱۲۰۰ استاد زن در نهادهای مذکور مصرف تدریس بودند. البته در تناسب به درصد شاگردان مکاتب (۴۲ درصد) هنوز بانوانی که به تحصیلات عالی میپردازند (۲۵ درصد) به حد قابل ملاحظه‌ی کمتر است.

امروز چند صد نهاد زنان در داخل کشور رسماً ثبت اند .

شمار کثیری از نهادهای زنان افغانستان در خارج از کشور نیز وجود دارند .

در انتخابات سال ۱۹۹۳ زنان نزدیک به چهل درصد رای دهنده گان را تشکیل میدادند.

ارقام بالا (حتا اگر در ارقام بالفرض تا حدی هم از سوی مراجع رسمی بزرگ نمایی شده باشد) نشان دهنده یک ظرفیت بالقوه بزرگ است.

و اما کوشش های نهادهای فورمال و غیر فورمال و فعالان و مدافعان حقوق زنان به گفته یی در یک «مجمع الجزایر پراکنده» در جریان است.

*

پرسش دوم:

با توجه به مراتب بالا برای استفاده مؤثر از امکانات بالفعل و به فعل آوردن امکانات بالقوه ، آیا به نظر شما ایجاد یک شبکه و یا چتر رنگین، باز و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تفاهم ، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گسترده نهادها و فعالان و مدافعان حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ممکن، مفید و ضروری است ؟

یلدا قمر کرزی

بلی، برای نیل و رسیدن بآزادی، ترقی و پیشرفت باید دختران شامل مکاتب، و تمام مؤسسات که زنها شمولیت آنها دارند در زیر یک چتر متحدانه کار کنند آنگاه زود تر به هدف میرسند.

با نظر شما موافق استم.

حمیرا حقل

سلام و احترامات مخلصانه خدمت گرداننده عزیز و خواهران گرامی.

إحصائية او أرقام بالا نشاندهنده کمیت مسله در سال های اخیر با تمام کمک های بین المللی ایکه برای احیا و باز سازی مجدد افغانستان از لحاظ کمی و کیفی سرازیر گردید میباشد بدون کیفیت. اما با آنها اگر به دید خوشبینانه به ارقام بنگریم بر مبنای واقعیت های عینی و تلخ جامعه ما با در نظر داشت فساد گسترده حاکم متاسفانه موانع و چالش های چشمگیری هنوز هم فرا راه زنان در کشور وجود دارند که نمیتوان بدون تأمل و تعمق از کنار آن به چنین آسانی گذشت. در رابطه به ایجاد شبکه یا نهاد و ساختار همچون آن پیشنهاد بنده این خواهد بود که بیابید چتر و شبکه های موجود را وسیعتر و گسترده تر و پاسخدهنده تر و دموکراتیک تر و باز تر بسازیم تا اینکه مثل آنها را سر از نو ایجاد نمائیم.

زرغونه ژواک عطا

سلام و عرض ادب به گرداننده و سایر دوستان اشتراک کننده درین بحث، از آن جایکه تجارب نشان داده که یگانه راه به ثمر رساندن در تغییرات همانا اتحاد و همبستگی هر حرکت اجتماعی بوده، بدین منظور یگانه راه دریافت برای رسیدن به اهداف مشترک مان حرکت منسجم در زیر یک چتر خواهد بود.

و چه زیبا خواهد بود که اینبار زنان هر نوع طلسم را بشکنانند و برای یک جمع واحد و اهداف مشترک بدون هر نوع اختلافات کنار آمده و به دور هم دیگر با دید بلند و عاری از هر نوع تبعیض کنار آیند.

شیما غفوری

همسخنان عزیز، سلام .

از حضور تان در این میز مدور خوشحالم .

با مطالعه نظر خانم حمیرا جان حقل در ارتباط با ایجاد یک چتر فراگیر زنان می خواهم بدانم که علاوه بر تجمع بعضی از نهاد های مدنی در یک مجمع بزرگتر آیا چتر فراگیر و ساختار های پیوند دهنده بین نهاد های مدافع حقوق زنان در کشور وجود دارد؟ و این ارتباطات تا کدام اندازه کارا میباشد. میخواهم از همسخنان داخل کشور در این رابطه طالب معلومات دقیقتر گردم. از لطف تان قبلاً اظهار امتنان مینمایم . البته در خارج از کشور نیز ایجاد چنین چتر فراگیر یک ضرورت شدید است.

حمیرا حقل

پرسش های بجا را مطرح کردید اید خانم شیما جان غفوری پس بیایید در نخست چتر فراگیر را تعریف نماییم که منظور ما چیست و چه میخواهیم تا باشد در روشنایی آن سایر پرسش ها نیز جواب خویش را دریابند. ممنون تان خواهر خوبم.

شیما غفوری

پرسشی را که خانم حمیرا جان حقل طرح نموده اند، یکی از پرسش های بنیادی است، که در این جا مختصراً به آن پرداخته میشود و امیدوارم این موضوع مورد بررسی سایر همسخنان نیز قرار گیرد .

طوری که میدانید در افغانستان چند صد نهاد زنان رسماً ثبت شده است. در خارج از افغانستان نیز نهادهای متعدد زنان وجود دارند. برخی از این نهادها در اشکال مختلف با هم تماس و همکاری نیز

دارند. منظور از چتر رنگین ، چتر فراگیر و یا هم شبکه فراگیر، سقف یا مرجعی است که امکان و فرصت حضور همه نهادهای فعال مدافع حقوق زنان (یا کم از کم نهادهایی علاقه مند و از جمله مجموعه های موجود) را از طریق یک میکانیزم باز و شفاف برای تماس ، گفت و شنود و دستیابی به تفاهم به منظور همبسته گی و همکاری جهت تحقق اهداف مشترک، فراهم سازد .

واکنش ها در برابر فاجعه زجرکشی فرخنده نشان داد که میتوان برای ایفای وظایف مشترک و تحقق اهداف مشترک تفاهم ، همبسته گی و همکاری گسترده را ایجاد کرد. به باور ما مهم است تا این ظرفیت ها را تنها برای روز مبادا و واکنش در برابر فاجعه ها محدود نسازیم، بل از آن برای تفاهم و همکاری پایدار جهت تحقق اهداف مبرم و بنیادی زنان نیز استفاده کنیم. تجربه کانون هماهنگی زنان افغانستان نشان میدهد که دستیابی به این مأمول ممکن است. البته اگر در مورد اصل این پیشنهاد توافق به عمل آید در مورد تعریف مشخص تر و جزئیات آن بعداً میتوان تبادل نظر کرد.

ماری اکرمی

سلام و احترامات خدمت همه عزیزان صاحب نظر. ممنون از طرح خوب تان به ارتباط ایجاد و یا منسجم ساختن یک چتر بزرگ تر، کاملاً با نظریات و پیشنهادات همه شما موافقم میخوامم همه عزیزان را دعوت کنم که با شبکه زنان افغان بپیوندند. بخاطریکه فعلاً یکی از شبکه های بزرگ و قابل شناخت در سطح مملکت و هم چنان سطح جهان است.

حمیرا حقل

ما زمانی به ایجاد و تشکل چتر های بزرگتر و باز تر نایل خواهیم شد که طبیعتاً زیر ساختهای نهادینه و مستحکم تری بحیث زیرپایه ها داشته باشیم تا توانمندی و ظرفیت حفظ و برقرار ماندن چتر های بزرگ را داشته باشند. در غیر آن تجارب ناکام را تکرار خواهیم کرد. به امید روزی که برای تامین حق و عدالت یکدل و یک صدا شویم.

حمید عبیدی

میخواهم روشن بسازم که طرح سوال در مورد چتر فراگیر و یا رنگین و یا هم شبکه فراگیر ، به هیچ وجه به معنای انکار و یا نفی نهادها و شبکه های موجود و یا تضعیف آنان نیست. شناخت و پذیرش تنوع موجود ، در واقع خود میتواند پیش زمینه همکاری باشد.

زهره سادات هاشمی

در ابتدا عید سعید فطر را به تمامی مسلمانان خصوصا مردم افغانستان و دوستان میز مدور تبریک و تهنیت میگویم

امیدوارم طاعات و عبادات تان قبول درگاه ایزد تبارک و تعالی فرار گرفته باشد

ایجاد يك چتر واحد نظر نيكي است امیدوارم تحقق آن نیز زمان كمترى را در بر بگيرد اما در ذهن من يك سوال ایجاد شده و آن این است که کشور ما يك برد بسیار قوي دارد که در بسيارى از ممالك نیست و آن هم موجودیت وزارت زنان میباشد، پس رول و نقش این وزارتخانه در ایجاد چتر واحد چه خواهد بود و چرا نمیتوان به آن به عنوان يك نقطه عطف تمام سازمانها و نهادهایی دانست که در عرصه زنان مصروف فعالیت اند؟

حمید عبیدی

با امتنان از خانم زهرا سادات هاشمی ، فکر میکنم چنان که ایشان تذکر داده اند ، مساله چه گونه گی رابطه با وزارت امور زنان میتواند یکی از نکات بحث باشد- البته در صورتی که همسخنان در مورد ضرورت ایجاد چتر فراگیر به موافقه برسند ، پس از آن میتوان روی این نکته بحث کرد . این روشن است که شهروندان در میدان بیرون از خانواده و دولت است که برای فعالیت های جمعی مستقل و داوطلبانه جهت طرح ، دستیابی و تحقق اهداف معین نهادهای مدنی را ایجاد میکنند. این که نهادهای جامعه مدنی در این راستا با حفظ استقلال چه گونه مناسبات کاری با نهادهای دولتی برقرار میکنند گپ دیگری است. کوتاه این که اگر درمورد گام اول هسخنان به توافق رسیدند ، آن گاه پرسش های بعدی

مطرح خواهند شد. من به حیث گرداننده نکاتی را که همسخنان بیان میکنند، یادداشت مینمایم ، تا زمینه بحث و تبادل نظر همسخنان میز را روی آن ها گام به گام در یک روند منسجم فراهم بسازم .

با امتنان از اشتراک سازنده و فعال شما در دومین میز مدور کانون هماهنگی زنان افغانستان ، به اطلاع رسانیده می شود که از فردا کار سومین میز مدور آغاز میگردد. در این میز نیز شماری از مسوولان نهادها و فعالان حقوق زنان ، دعوت شده اند .

در نظر است تا به دنبال میز میز سوم ، اشتراک کننده گان هر سه میز ، در یک میز واحد در مورد طرح های پیشنهادی در هر سه میز روی تعریف اهداف مشترک و رسیدن به تفاهم برای کار دوامدار جهت توسعه و تعمیق تماس، گفت و شنود ، تفاهم و همکاری میان نهاد ها ، فعالان و مدافعان حقوق زنان افغانستان جهت تحقق این اهداف، با هم به مشاوری بپردازند.

با توجه به مراتب بالا خواشمندیم تا با ما بمانید و جریان میز سوم را دنبال نموده و سپس در کار میز چهارم که میز واحد متشکل از اشتراک کننده گان هر سه میز قبلی خواهد بود ، فعالانه سهم گرفته و بر امتنان بیفزایید.

همچنان ما برای تکمیل فهرست نهادهایی که علاقه مند سهمگیری در این روند اند، به کمک شما نیاز داریم و از همکاری تان در این زمینه پیشاپیش ابراز سپاس مینماییم .

اگر پیرامون نکات بالا پرسشی موجود باشد ، گرداننده برای ارایه پاسخ در خدمت خواهد بود .

*

میز سوم

حمید عبیدی (گرداننده میز مدور)

پرسش دوم : آیا به نظر شما ایجاد یک چتر فراگیر، باز ، شفاف و دیموکراتیک که بتواند تماس ، تبادل نظر ، تفاهم، هماهنگی و تشریک مساعی طیف گسترده نهادها و فعالان دفاع

از حقوق زنان را در راه رسیدن به اهداف مشترک ، تسهیل و تامین کند ضروری، مفید و ممکن است ؟

حمیرا حقمل

سلام دوستان محترم

به آرزوی صحت و سلامتی تان استم .

ضرورت و امکان اتخاذ هر نوع تصمیم و تدبیر در صورت مفید و موثر خواهد بود که به اساس نیاز جامعه صورت گرفته باشد و مورد جلب اعتماد و باور مردم و شهروندان قرار بگیرد. بنظر من بهتر است ابتدا عوامل درد ورنج زنان افغان تشخیص شود تا بعد طبق علت مرض ادویه لازمہ تجویز گردد. در غیر آن به ضیاع وقت و امکانات پرداخته ایم خصوصاً که ما چنین شبکه ها و چتر ها را در داخل و خارج کشور داریم بیایید با حضور فعال خود باعث تقویت آنان شویم.

...در رابطه به ایجاد شبکه یا نهاد و ساختار همچون آن پیشنهاد بنده این خواهد بود که بیایید چتر و شبکه های موجود را وسیعتر و گسترده تر و پاسخ دهنده تر و دموکراتیک تر و باز تر بسازیم تا اینکه مثل آنها را سر از نو ایجاد نمائیم .

شیما غفوری

همسخنان عزیز، سلام .

از حضور تان در این میز مدور خوشحالم .

با مطالعه نظر خانم حمیرا جان حقمل در ارتباط با ایجاد یک چتر فراگیر زنان می خواهم بدانم که علاوه بر تجمع بعضی از نهاد های مدنی در یک مجمع بزرگتر آیا چتر فراگیر و ساختار های پیوند دهنده بین نهاد های مدافع حقوق زنان در کشور وجود دارد؟ و این ارتباطات تا کدام اندازه کارا می باشد. می خواهم از همسخنان داخل کشور در این رابطه طالب معلومات دقیقتر گردم. از لطف تان قبلاً اظهار امتنان مینمایم . البته در خارج از کشور نیز ایجاد چنین چتر فراگیر یک ضرورت شدید است.

حمیرا حقل

پرسش های بجا را مطرح کردید اید خانم شیما جان غفوری پس بیایید در نخست چتر فرا گیر را تعریف نماییم که منظور ما چیست و چه می‌خواهیم تا باشد در روشنایی آن سایر پرسش ها نیز جواب خویش را دریابند. ممنون تان خواهر خوبم.

شیما غفوری

پرسشی را که خانم حمیرا جان حقل طرح نموده اند، یکی از پرسش های بنیادی است، که در این جا مختصراً به آن پرداخته میشود و امیدوارم این موضوع مورد بررسی سایر همسخنان نیز قرار گیرد .

طوری که میدانید در افغانستان چند صد نهاد زنان رسماً ثبت شده است. در خارج از افغانستان نیز نهادهای متعدد زنان وجود دارند. برخی از این نهادها در اشکال مختلف با هم تماس و همکاری نیز دارند. منظور از چتر رنگین ، چتر فراگیر و یا هم شبکه فراگیر، سقف یا مرجعی است که امکان و فرصت حضور همه نهادهای فعال مدافع حقوق زنان (یا کم از کم نهادهایی علاقه مند و از جمله مجموعه های موجود) را از طریق یک میکانیزم باز و شفاف برای تماس ، گفت و شنود و دستیابی به تفاهم به منظور همبسته گی و همکاری جهت تحقق اهداف مشترک، فراهم سازد .

واکنش ها در برابر فاجعه زجرکشی فرخنده نشان داد که میتوان برای ایفای وظایف مشترک و تحقق اهداف مشترک تفاهم ، همبسته گی و همکاری گسترده را ایجاد کرد. به باور ما مهم است تا این ظرفیت ها را تنها برای روز مبادا و واکنش در برابر فاجعه ها محدود نسازیم، بل از آن برای تفاهم و همکاری پایدار جهت تحقق اهداف مبرم و بنیادی زنان نیز استفاده کنیم. تجربه کانون هماهنگی زنان افغانستان نشان میدهد که دستیابی به این مأمول ممکن است. البته اگر در مورد اصل این پیشنهاد توافق به عمل آید در مورد تعریف مشخص تر و جزئیات آن بعداً میتوان تبادل نظر کرد.

حمیرا حقل

خواهر عزیز شیما جان شما مطمئن باشید که شخص خودم ناخوانده ابراز نظر نمیکنم !!! ما زنان وطن هر چه بیشتر نگران وضعیت زنان افغان هستیم چون قربانیان مستقیم تمام نابسامانی ها مایم .قربان تان.

شیمای غفوری

حمیرا جان عزیز من یقین دارم طوریکه خودت گفته ای چنین است. من به نظریات همه شما ارج می گزارم و هدف این میز نیز تبادل نظر میباشد و بس. اگر بتوانیم کدام راه حل مشترک را در نتیجه پیدا نمائیم که باعث همسویی فعالیت های ما زنان گردد، هنوز بهتر. اگرچه ما از مصیبت های مستقیم حوادث دور هستیم ولی مصیبت های روحی ما هم زیاد است. ما زنان در خارج می خواهیم نظریات شما را که در داخل هستید، بدانیم و از آنها برای جهت گیری و سمت دهی فعالیت های خویش استفاده نمائیم. تا کار شما ها را پشتیبانی نموده باشیم و باعث تسریع پروسه های گردیم که شما ها به راه می اندازید.

حمید عبیدی

این روشن است که نهادها و فعالان دفاع از حقوق زنان دارای اندیشه ها ، تجارب و دیدگاه های متنوع اند. هدف میز مدور آشنایی نزدیکتر با دیدگاه های اشتراک کننده گان است. هم شناخت تفاوت ها و هم تشخیص مشترکات تا با احترام به تنوع موجود و حفظ استقلال نهاد ها ، زمینه تفاهم برای همکاری در مورد اهداف مشترک فراهم شده بتواند. چشم به راه پاسخ اشتراک کننده گان میز مدور هستیم. پس از دریافت این پاسخ ها ، وارد میز بزرگ خواهیم شد و آن جا روی نتایج مباحثات هر سه میز ، تبادل نظر به عمل خواهد آمد.

عارفه عمرلور بشیر

سلامونه او درنښت.

اوس هم په افغانستان کې د ښځو د حقوقو فعالان او مبارزين تر يو گډ ديموکراتيک او روڼ څپر لاندې کار کوي چې هغه د دوی گډې موخې او اهداف دي، دا ځکه دوی يوې مشترکې او گډې موخې (هدف) يانې دښځو دحقه انساني حقونو تر لاسه کول او دښځو دژوندانه بسياينې ته کار کوي او همدا هم يو گډ څپر بللی شو، موخې يا اهداف په هره ټولنه کې د خلکو تر يو څپر لاندې د راتلولو سبب گرځي، که گډ اهداف وجود ونلري، دخلکو تر يوه څپر لاندې راتلولونه ناشوني او ناممکنه ده.

اوکه دلته په پوښتنه کې له يو څپر نه موخه د گډ مشرتابه او گډو تگلارو درلودل وي، زما په اند دايو څه ناشوني ، غير عملي او لږ دبحث وړ خبره ده، که چيرې گډ مشرتوب او گډې تگلارې منځ ته راځي نو

بیا هغه مهال زموږ ټولنیز او مدني حرکت په یوه سیاسي حرکت بدلیدای یا توجیه کېدای شي چې ښايي زموږ خلکو ته د منلو وړ نه وي.

زما په اند دگډ مشرتابه تر یو څپر لاندې د کار پر ځای که چیرې د دغو ټولنو او موسساتو په تگلارو پوره غور وشي، د دوی تگلارې دټولو افغاني کلتوري حساسیتونو ، غوښتنو، اندېښنو، قوانینو او رواجونو په پام کې نیولو سره د متخصصو او د افغاني ټولنې دټولنپوهانو په مشوره او لارښوونه مطرح او عملي شي، د دغو ټولنو تر منځ یوه همغږي او یو بل ته لاسنیوی اصل منځ ته راشي، دوی منظمې مشورتي گډې غونډې ولري، د سیاسي کړیو له اغیز نه ځانونه وساتي او خپلو اهدافو ته ژمن پاتې شي هله کېدای شي خپل گډ ، شریک او حیاتي هدف ته په ګډه اوژر ورسیري.

په یوه ټولنه د یوه هدف تر لاسه کولو لپاره د مختلفو تگلارو درلودونکو ټولنو شتون دخپلو وړو ستونزو په ځواکې ستړې ستړې کتې او ښېگڼې هم لري.

حمید عبیدی

ډیر قدرمن میرمن عارفه عمر لور بشیر ، زما د پوښتنې موخه دا نه وو او نه دی چی شته سازمانونو دی ګواکې د گډ چپر تر نامه لاندی کوم نوی سازمان کی منحل شی او یا د دوی پر ځای دی کوم نوی سازمان جوړ شی.

مساله دا دی چی څنگه گیدای شی چی د ښځو د شته سازمانونو او د ښځو د حقونو د فعالانو او پلویانو تر مینځ د یو بل سره د پیژندگلوی ، اړیکو ، خبرو اترو ، تفاهم او همکاری زمینه برابره شی .

شته تنوع یو واقعیت دی . په یوه آزاده ټولنه کی دا یو عادی حالت بلل کیږی. ضرورت دا دی چی دغه واقعیت ومنل شی . که څوک وغواړی او که و نه غاړی انحصار غوښتنی نه ممکن دی او نه هم گټور. خبره دی کی ده چه د دغه واقعیتونو او اصول په منلو سره څنگه کیدای شی چی په هغو برخو کی چی ضرور ، گټور او ممکن دی دوی یو بل سره تفاهم ، همغږی ، پیوستون او همکاری هم ولری.

آزیتا نظمی

سلام خدمت تمام همسخنان محترم تقدّم میکنم خوب . از نظر من بلي هرگاه نهاد هاي دفاع از حقوق زنان افغانستان و جامعه مدني افغانستان باديكر نهادها ي دفاع از حقوق زنان جهان تماس وكفت وشنود برقراركنند بدزن شك بسيار مفيد واقع خواهد شد هرگاه از تجارب آنها كه با جغرافياي افغانستان هخواني داشته باشد استفاده كردد مو اثر خواهد بود . تشكر.

عارفه عمرلور بشير

بيا هم سلامونه، گډې مشورتې غونډې، د يو بل له كارونو او لاسته راوړنو څخه خبرتيا، همداشان له يو بل سره د تجربو شريكول او د يو بل په اندونو او انگيرنو پوهېدل او دهغو دركول دا خپله كولای شي چې د دغو ټولنو ترمنځ همغږي او يو بل ته نږدې كېدل رامنځ ته كړي، بې له شكه كه چيرې دوى د شته ستونزو په وړاندې همغږې او يو موټى اوسې د ستونزو د هوارې اوږدې لارې به ډير ژر رالنډې شي.

شيما غفوري

آزيتا جان، حميرا جان، خانم عمر لور و ساير دوستان عزيز شامل بحث. سلام. من بيچاره در جواب پرسش اول چقدر زحمت کشيدم كه نظريات انجمن ما را برای تان انتقال بدهم. شما خواهران عزيز از وطن هيچ کدام آنرا نخوانده ايد. من با كمال ميل می خواهم در مورد آن نظريه های شما را بدانم تا اگر اشتباه می كنم شما آنرا اصلاح نمائيد. ممنون شما. اين هم شما و اين هم نظرها در مورد سوال اول كه برای آسانی كار بار ديگر برای تان در اينجا تقديم می نمايم.

در اين ميز مدور به حيث نماينده انجمن مدد رسانی افغانی كه از 21 سال به اين طرف در داخل و خارج از كشور برای آموزش و خودكفایي زنان و دختران افغانستان مصروف خدمت ميباشد، دعوت گرديده ام. می خواهم نظرياتم را در پنج بخش خدمت شما عزيزان تقديم نمايم، هر چند شايد بعضی نکات تکراری باشد، ولی تکراری بودن نظريات بين نهاد ها و افراد نويد بخش مشترکات بين آنها ميباشد.

اول: محافظت از دست آورد های کنونی و مخالفت با معامله گری سياسی به قيمت سرنوشت زنان کشور.

دوم: همبستگی بین مدافعان حقوق زن اعم از زنان و مردان از لایه های مختلف و در داخل و خارج از کشور.

بهترین مظهر این همبستگی تجلیل همه ساله از روز قتل فرخنده (19 مارچ) به حیث «روز همبستگی ملی زنان افغانستان» خواهد بود. که در این مورد نظر شما را خواستارم.

سوم: مهمترین سؤالی که ما زنان در مرحله کنونی با آن مواجه هستیم عبارت از تعیین اساس اندیشوی جنبش آینده زنان میباشد.

در این مورد حداقل سه نظر مطرح میگردد:

- 1 - بر اساس ارشادات دین اسلام
 - 2 - استوار بر اساسات غیر مذهبی
 - 3 - تلفیق ارشادات دین اسلام، فرهنگ جامعه افغانی و قوانین مدنی بشری
- انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار روش سومی یعنی استفاده از قوانین اسلامی، فرهنگ مثبت جامعه افغانی و اعلامیه حقوق بشر در مسایل اجتماعی منجمله موضوع زنان میباشد.

۴- استقلالیت جنبش زنان: بدون شک جد و جهد به خاطر تحکیم عدالت اجتماعی و جنسیتی، تثبیت شخصیت زن به حیث یک انسان متساوی الحقوق و تلاش برای محو خشونت علیه زنان اشکال گوناگون را در جامعه دارد، از تلاش های ادارات و سازمانهای دولتی گرفته تا سازمان زنان در احزاب سیاسی و سازمانها و نهاد های مستقل زنان.

انجمن مدد رسانی افغانی طرفدار جنبش مستقل زنان بدون وابستگی آن به دستگاه دولتی و ایدلوژی حزبی میباشد. البته این استقلالیت نباید مانع همکاری مشترک جنبش مستقل زنان با ادارات دولتی و سازمانهای حزبی در زمینه مبارزه به خاطر احقاق حقوق زنان گردد.

پنجم: هماهنگ سازی و آشتی دادن دو فرهنگ تقریباً متضاد در جامعه یعنی زندگی سنتی و آشفته از جنگ های دوامدار از یک طرف و زندگی شهری که در اثر فرآورده های مدرن مثل معارف، رسانه ها و تکنالوژی اطلاعاتی و غیره پیشرفت نموده است.

در این راستا انجمن به این نظر است که:

۱. داخل کردن مضمونی در نصاب تعلیمی مکاتب بنام «مقام و نقش زن در حیات خانواده و جامعه». تا شاگردان مکاتب از همان دوره ابتدائی همزمان در شهر ها و دهات افغانستان آداب حرمت گزاری به زن را بیاموزند.

۲. لازم است تا زنان را در محل های زیست شان جستجو نموده و ظرفیت های شانرا در همانجا انکشاف داد. زنان شهری، دهاتی با سواد و بیسواد همه قابلیت های را دارا می باشند که هر یک قابل احترام بوده و ضرورت به تقویه و توسعه دارد.

با این مختصر خواستم تا نظریات انجمن مدد رسانی افغانی را به شما انتقال داده و منتظر نظرات انتقادی و یا تأییدی شما میباشم.

با حرمت و ارادت

هاجره حرکت

زما په اند له هر وخت څخه زیات اوس داسی یوی شبکی ته ضرورت دی، چې په پراخه کچه په هېواد کی دننه او په ټوله نړۍ کی د افغانو بڼځو د ژوند زوریدلي حالت ته په پام سره خپل نظریات سره شریک کړی او په دی لار کی د اغیزمنو گامونو پورته کولو ته متی را ونغړی. زه فکر کوم له هر وخت څخه زیات اوس افغانان چی هم د پوهی په جامه سمبال دي او هم دومره مالی امکانات لری چې د یوی شبکي د جوړیدلو له پاره د میاشتنی حق العضویت ورکولو سره یو پراخ بنسټه ټولنه په پښو ودری. زه یقین لرم چی دا به داسی یوه شبکه وی چې په افغانستان کی دننه او بهر دیموکرات قوتونه په کی برخه اخلی او ډیر ژر به یوه نړیواله بڼه خپله کړي او ستر خدمتونه به هغه افغانو مظلومو بڼځو ته وکړي چې په اوسنیو شرایطو کی چې لوړ شمیر افغاني بڼځي په پوهنتونونو کی په تحصیلونو بوختی دي خو لا ډیر شمیر بڼځي په کلیو او بانډو کی د ډول ډول ناخوالو سره لاس او گریوان دی مرسته ورسوی. ځکه تر پخوا څخه اوس به افغانستان کی له بڼځو سره ناروا ظلمونه کیږی او هغه زورواکی چی د بوهی له رڼا څخه یی زړونه خالی دی د بیسو او زور په نشه کی دری او څلور ودونه کوی. په اسلام خبر نه دی خو د خپلو شهوانی اعمالو له پاره د اسلام نوم ورکوي.

زرغونه عبیدی

تماس تبادل نظر، تفاهم و همکاری میان طیف وسیع نهادهای مدافع حقوق زن برای تحقق اهداف مشترک، یک ضرورت مبرم است؛ زیرا از این طریق است که یک جنبش گسترده برای تامین حقوق زنان شکل گرفته میتواند.

تا جایی که من دیده میتوانم، حالت نهادهای فعالان و مدافعان حقوق زنان شبیه به حالت «جزایر پراکنده در چند اوقیانوس» است - خوب با یک دید مثبت تر شاید بتواند گفت که حالت «جزایر و مجمع الجزایر پراکنده در چند اوقیانوس.»

منظورم این است که شمار بزرگی از نهادهای فعالان و مدافعان حقوق زن همدیگر را نمی شناسند، با هم در تماس نیستند و یا هم در اثر پیشدواری ها در تماس میان آن ها دشواری هایی وجود دارند .

من بر این باورم که مهم است تا در گام نخست میان این «مجمع الجزایر»، زمینه تماس و گفت و شنود برای شناخت و تفاهم ایجاد کرد. برای این کار ما میتوانیم امکانات جهان دیجیتال را مورد استفاده قرار دهیم.

از دیدگاه من، ما با تداوم و توسعه همین میز مدور نیز میتوانیم به ساده گی و به طور شفاف ، موثر و همخوان با اصول و موازین دیموکراسی این امر را تحقق ببخشیم.

اگر ورود به این میز مدور و سهمگیری برابر و فعال در کار آن برای نماینده گان همه نهادهای علاقه مند میسر گردد، مشترکاً خواهیم توانست این طرح را تحقق ببخشیم

همچنان پیشنهاد مینمایم تا ما آن عده از فعالان برجسته جامعه مدنی از میان مردان را که به اندیشه تساوی حقوق زن و مرد اعتقاد دارند نیز در این میز مدور دعوت نماییم.

*

گسترش میز مدور ،ایجاد چتر فراگیر و یا رنگین و یا سقف مشترک از لحاظ نظری کاملاً ممکن است و اما مشروط به این که ما برخی اصول و موازین بنیادی کار را متناسب با ایجابات چنین هدفی پیریزی و رعایت کنیم؛ از جمله:

-به رسمیت شناختن تنوع موجود و استقلال نهادها و امتناع از انحصارطلبی

-دادن فرصت برابر به دارنده گان اندیشه ها ، گرایش ها و دیدگاه های گوناگون

-رعایت احترام و بردباری متقابل

-گفت و شنود به بنیاد رعایت موازین و فرهنگ دیموکراسی

-گسترش فضای تفاهم و اعتماد متقابل

-جستجوی مشترکات و اتکا بر همین مشترکات

به رسمیت شناختن تنوع و استقلال نهادها و امتناع از انحصارطلبی به این معنا نیز است که این ابتکار باید مستقل از احزاب و گروه های سیاسی و گرایش های ایدئولوژیک و نیز حکومت باشد و نه باید اجازه بدهد به میدان کشمکش میان آن ها مبدل شود. این زمانی ممکن است که یک نوع رابطه و فاصله معقول و برابر نسبت به همه رعایت شود. با چنین استقلال، فاصله و رابطه است که میتوان از یک سو بر احزاب و نیز نهادهای دولتی برای مورد توجه قرار دادن مسایل زنان فشار وارد کرد و از سوی دیگر در حل مسایل با آنان متناسب با چگونگی نظر و موقف شان در قبال مسایل زنان تشریک مساعی نمود.

فوزیه نوابی

با درود و سپاس

در رابطه به پرسش مطروحه شما!

دیدگاه من این است: من که 13 سال تمام در راستای دفاع و حمایت از حقوق زنان تلاش و زحمت کشیده ام تا حال متأسفانه يك میکانیزم دقیق و هماهنگی میان زنان و فعالین حقوق زن وجود نداشته است .

در افغانستان فعالین حقوق زن و سایرین تلاش دقیق بخرج ندادند که با هماهنگی تام فعالیت نمایند.

متأسفانه تلاش کرده اند که چگونه بتوانند به نام حق زن افغان پروژه بگیرند و از آن پول ها برای خود ساختمان اعمار نمایند و دختران و پسران خود را به خارج از کشور روانه کنند و همچنین همین فعالین تلاش کرده اند که چگونه زنان ي که فعال و زحمت کش هستند تخریب نمایند.

(به نظر من در صورتیکه واقعا فعالین حقوق زن به زیر يك چتر گسترده، شفاف، دموکراتیک، دور از فساد و تقلب باشد این هماهنگي يك نتیجه ي بهتر و مفید میباشد).

شیما غفوری

فوزیه جان نوابی از پاسخ شما منحيث یکی از مهمانهای این جمع سپاسگزارم. آنچه را شما مطرح نموده اید، تعداد زیادی از خواهران ما از داخل کشور نوشته اند. به عقیده من یکی از این دلایل نبود همبستگی زنان میباشد. هرگاه زنان و سازمان های شان با هم مدست باشند، میتوانند به حیث یک عامل کنترل کننده فعالیت های اجتماعی رول مثبت را بازی نمایند. در حالیکه حالا صدای هر یک به تنهایی جای را نمی گیرد. و کسی که با نام زن تجارت مینماید، ترسی هم از دیگران ندارد. من نظر شما را مبنی بر ایجاد یک چتر بزرگ، غیر سیاسی که در آن هر سازمان استقلال خویش را حفظ نماید، فقط به خاطر کوردینه کار و همکاری مشترک، تائید می نمایم.

فوزیه نوابی

شیما جان غفوري سلام مجدد خدمت شما!

با وجودیکه من تازه وارد این گروپ شدم نمی دانستم که دیگران این نظریه را داده اند، اما این چالش بزرگ فراه زنان افغان در کشور میباشد به هر صورت به امید روزیکه واقعا احترام متقابل میان فعالین حقوق زن بوجود آید چون همه هدف مشترك و یکسان دارند و باید جهت بهبودي وضعیت سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي مشترکا زیر. يك چتر هماهنگي فعالیت نمود.

چرا که شبکه هاي دادخواهي و حمايتي در افغانستان ایجاد شده اما نتیجه نداشته است چون همه ي موارد در روي کاغذ نوشته شده يعني پروژه تطبيق شده و مشکل حل نمیگردد.

زرغونه عیدی

با سلام های قلبی حضور همسخنان عزیز! خواهشمندم لطف فرموده و پاسخ مرا در ارتباط به سوال اول و سوال دوم میز مدور سوم، که به نمایندگی از هیئت مدیره این کانون ارایه گردیده است، مورد توجه قرار داده و ما را بدین ارتباط با نظریات انتقادی و پیشنهادی تان مستفید بسازید.

دکتر عالمه

دوستان عزیز، با تایید گفته های داکتر زرغونه جان باور من این است که نهاد های مدافع حقوق زن باید در زیر یک چتر رنگین کمان جمع شوند، از خواست های برحق زنان کشور دفاع نمایند. به شکل پراکنده دادخواهی برای خواست های حقوق بشری زنان صدای آنان قوت نداشته و گاهی نهاد های مدافع حقوق زن در رقابت های ناسالم با یکدیگر قرار می گیرند. برای همصدا شدن، نیروی اثر گزار شدن و ایجاد اعتماد بین نهاد ها زیر یک چتر مشترک جمع شدن ضرورت زمان ماست.

زرغونه عطا

دوستان و فعالین گرامی جنبش زن سلامها و درود ها به هریک تان، از آنجاییکه شرایط در وطن و جهان هر روز با تغییراتی نهایت بغرنج روبروست و جهان دارد در آتش این همه ناملازمات میسوزد و کشور ما که زیاده از چهار دهه قربانی این اوضاع تحمل شده بوده و است که در نتیجه تیغه بران این جنگ هایی فرسایشی و نابرابر متوجه زنان و اطفال بوده در چنین حال و احوال وظیفه ما انسجام و هم دست شدن در برابر این همه نابرابری، بدبختی و جنایات بوده.

گرچند مبارزه زنان افغان در تاریخ بانوساناتی مواجهه بوده ولی هرگاه که این مبارزه بصورت جمعی و سازمان یافته عمل نموده نتیجه آن هم موثر تر بوده.

سر انجام به تایید نظر دوستان و داکتر زرغونه جان اگر فعالیت ها از شکل منفرد و پارچه پارچه در زیر یک چتر هم صدا و هم گام گردد، موثریت آن به مراتب اثر گذار خواهد شد.

و از جانبی بیایید این بار زنان افغان در عمل نشان دهند که ما زمان دور از همه موانع و مشکلات میتوانیم در برابر هم برای یک حرکت جمعی در زیر یک سقف برای هدف مشترک یکجا گردیم.

خوب گفته اند:

یابه یو کیژو او یا به ورکیژو

فوزیه نوابی

با عرض سلام و ادب خدمت همه دوستان و خواهرم زر غونه جان عییدی.

من نظریات شما را مطالعه کردم . بسیار عالی همه موارد را در نظر گرفته اید . من باشما کاملاً هم نظرام و همچنان یادآور میشوم که زمانی موفق هستیم که بتوانیم تمام مدافعین حقوق زنان را زیر یک چتر هماهنگ سازیم. باید از طریق تماس تبادل نظر تفاهم و همکاری وسیع نهاد های مدافع حقوق زنان را و احترام به شخصیت و مقام زن و احترام متقابل را در نظر داشته باشیم.

و رسیدن به اهداف مشترک جهت پیشبرد فعالیت های زنان در شرایط فعلی کشور ما یک امر ضروری است و باید مورد حمایت ما زنان قرار گیرد.

*

میز مدور کانون هماهنگی زنان به روی ورود نماینده گان نهادهای زنان و مدافع حقوق زنان باز است. مسوولان نهادهای مذکور میتوانند از طریق ارسال ایمیل و یا پیام تقاضای خود را برای اشتراک در میز مدور ارایه نمایند. *

ورود به صفحه کانون هماهنگی زنان افغانستان در فیسبوک